

**آقای بازرگان!**  
از آزادی، مقدم بر همه چیز  
دفاع کنید زیرا اگر آزادی  
رفت، اسلام هم خواهد رفت  
آیا تجربه دوره آریامهری بس نیست؟

شنبه

۲۰

تیر ۱۳۵۸

۱۶ شعبان ۱۳۹۹

۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹

# پیغام امروز

تکمیل شماره ۱۵ روال

سال بیستم

دوره جدید

شماره ۱۰۳

برای دریافت بهای نفت

## پیشنهاد وزیر دارایی هم کار سطحی است

وزیر دارایی و امور اقتصادی، به خبرنگار اطلاعات گفته بود، هر کشور خریدار نفت، می تواند که جای دلار پول خود را بابت بهای نفت بپردازد. این تصمیم، به نظر می آید، خوب و دقیق مطالعه نشده است. تا امروز بحث بر سر این نبوده که کشورهای نظیر فرانسه، ژاپن و آلمان غربی، پول نفت را بابت حتم به دلار بپردازند. و دلیل انتخاب دلار، از جانب بانک مرکزی و دولت، برای دریافت پول نفت، پس از آنکه به مرحله انتقال ایران از قلمرو لیره استرلینگ، به حوزه دلار رسید، تسکین روی اعتبار دلار به عنوان یک پول محکم بود.

در حال حاضر، اگر پول نفت را جای دلار، به هر ارز دیگری بگیری، هیچ معجزه اقتصادی روی نمی دهد، زیرا، در اصل پایه محاسبه قیمت نفت، دلار است، و کمپانی ژاپنی که از ایران نفت می خرد، پول ژاپن را با محاسبه تعمیر دلار به یکنواختی، جای دلار خواهد داد. تنها نمایش سبلیک قفسه اینست که تظاری ناسیونالیستی انجام گرفته است بی آنکه این نمایش، عمق و اصالت در تصمیم ریشه های استیلای امپریالیستی بر نفت ایران داشته باشد. اول باید فکری برای واحد پولی کرد که لازم است در محاسبه قیمت نفت جانشین دلار شود. و هر فکری ازین دست می تواند نقش رهبری و ابتکار عمل ایران را، در مهم ترین زمینه های مبارزه با استیلای نظام امپریالیستی بر روابط بازرگانی آشکار سازد.

اگر رهبری سیاسی و روحانی انقلاب ایران، متوجه حرکتی ازین مسیر در سرکوب امپریالیسم بشود، بزرگترین ضربه را، در شرایط معاصر، بر پیکر امپریالیسم وارد می آورد.

بقیه در صفحه ۷

لایحه مطبوعات طرحی نه انقلابی  
و نه آگاهانه و مشکل گشا (۱۰)

## سانسور چیان

## ناصرالدین شاه!

خوب دقت کنید، در قانون اساسی ۲۵ سال پیش و بعدتر قانون مطبوعات محرم ۱۳۲۶ قمری آمده بود که اگر نویسنده خبر یا مقاله ای، در ایران مشهور باشد، و مقاله به نام وی منتشر شده باشد، مدیر، ناشر، و چاپخانه از تعقیب معافند. این طرز فکر سالهایی بود که به قرن گذشته مربوط می شد، ولی پس از انقلابی که مردم ایران، جانانه رژیم سلطنت را در ایران برچیدند، وزارت ارشاد ملی، خود را - و در اصل مطبوعات را - ملزم به داشتن قانون کرده است، و در پیش نویس این قانون، ماده ۱۵ چنین می نویسد:

«ذیل هر مقاله یا مطلب پایستی نام واقعی نویسنده درج شود. مدیر مسئول نشریه نسبت به کلیه مندرجات آن مسئولیت دارد، مگر اینکه ثابت شود، مدیر مسئول به تمام وظایف و مسئولیت های خود عمل کرده و جلوگیری از انتشار مطالب از حیث اعتبار او خارج بوده است که در این صورت صاحب امتیاز، سردبیر، دبیر، نویسنده، خبرنگار، عکاس و مسئولان و تصدیقان دیگر روزنامه که دخالت در ارتکاب عمل داشته اند مسئول خواهند بود»

اگر کسی به زمان تهیه این ماده، توجه نکند، ممکن است گمان برد که در دوره ناصرالدین شاه قاجار یک شیرهاک خورده می، روی دست محمد حسنخان اعتماد السلطنه، تدوین کننده نخستین مقررات سانسور در ایران، برخاسته است.

بقیه در صفحه ۷

## آیا فرمانده دژبان بر کنار شد یا در مقام خود باقیست؟

● تیمسار رحیمی از قبول حکم برکناری خود امتناع کرد  
● تیمسار رحیمی بدستور وزیر دفاع ملی برکنار و جانشین وی انتخاب شد

قم - خبرگزاری پارس - دفتر امام در قم پیش از ظهر دیر روز اعلام کرد که بدستور امام تیمسار عزیزاله امیر رحیمی فرمانده دژبان همچنان به فعالیت خود ادامه خواهند داد. قم - خبرگزاری پارس - دفتر خبرنگار غیرگزاری پارس با حجت السلام شهاب الدین اشراقی (داماد امام) در قم گفت وی اظهار داشت که امام فرمودند تیمسار

## یک شبه کودتای آمیخته با خونریزی و قساوت در کمین است

● هدف شبه کودتا، کنار گذاشتن گروه امیرال شریک در دولت است  
● این شبه کودتا را، عوامل افراطی، باید با همکاری عوامل باقی ساواک، و ارش و گارد اجرا کنند  
● نقش رهبری، در مهار و خنثی کردن توطئه ها  
● دسته های سه نفری جانشین اداره حفاظت در کارخانه ها

تازه است، که با وسعتی بیشتر در ایران بسیار ریشه دارتر از آنست که تدبیرهای موضعی بتواند آنرا خنثی کند. هم اکنون، بحث از یک موج

بقیه در صفحه ۲

مجاهدین خلق:

## پرونده سعادت بدلیل عدم صلاحیت و غرض ورزی دادستانی کل انقلاب، باید به دادگستری احاله شود

● دادگاه سعادت بدلیل علنی و با حضور هیات منصفه و نمایندگان وسائل ارتباط جمعی باشد.  
● برخلاف تصور عده ای موضع وسط به معنی قرآنی و انقلابی، چیزی جز دفاع تمام عیار و باسروجان از حق نیست.  
● سازمان مجاهدین خلق درباره ضرورت ارجاع پرونده مجاهد اسیر محمدرضا سعادت بدلیل دادگستری و محاکمه علنی وی با حضور هیئت منصفه اطلاعیه می منتشر کرد. در این اطلاعیه که رونوشت آن برای

هشدار جمعیت کردهای مقیم مرکز

## صدای جمهوری اسلامی جنگ روانی تبلیغاتی وسیعی را علیه خلق کرد آغاز کرده

● دولت چگونه درقبال این حوادث سرخود را چون یک زیر برف فرو برده است  
● جمعیت کردهای مقیم مرکز با انتشار اطلاعیه بی هشدار داد: یک جنگ داخلی و تحمیلی دیگر در ایران و کردستان تدارک دیده شده و رادوی صدای جمهوری اسلامی با تبلیغات وسیع زمینه های لازم را برای توطئه های جدید فراهم می سازد. در اطلاعیه چنین آمده است:

بقیه در صفحه ۲

## کادر رهبری و دولت باید وعده های قبل از زمامداری را بخاطر بیاورند

● سکوت دولت نسبت به عدم رعایت عدالت اجتماعی و آزادی کشتی های جاری قابل توجه نیست  
● آیت الله آل شبیر خاقانی در تلگرامی به مهتدس بازرگان نخست وزیر هشدار داد قبل از آنکه فاجعه ای در کشور رخ دهد، کادر رهبری و دولت وظیفه دارند وعده های قبل از زمامداری را بخاطر بیاورند و اعمال خود را بر اساس

یک نامه:

## مگر افراد صغیر را هم به ارتش راه می دهند؟

در روزنامه نوشته بودیه ۶۰ نفر از هنک نوجوانان درجه داری پادگان عباس آباد که چند روز پیش به دستور فرمانده دژبان مرکز به دلیل بی انضباطی و تمرد بازداشت شده بودند اخراج شدند. و حکم اخراج آنها صادر شد. همچنین اظهار نظر شده بود که این افراد از نظر ما برای همیشه اخراج مستثنی منتصبی برای اینکه برای اولین

بقیه در صفحه ۲

## تیمسار رحیمی: ۷ هزار نیروی نظامی در اختیار دارم

● بسوی محافظان رحیمی (سپاه جامگان) تیراندازی و یک تن مجروح شد

● رویتر - فرمانده برکنار شده دژبان مرکز که از قبول حکم برکناری خود امتناع کرده است بقیه در صفحه ۸

## در حمله پاسداران به کارخانه پارس مینو چند کارگر مجروح شدند

● جنبش ملی مجاهدین - حمله پاسداران به کارگران پارس مینو توطئه سرمایه داران وابسته است

بخش کارگری جنبش ملی مجاهدین با صدور بیانیه ای پورش مسلحانه پاسداران به کارگران پارس مینو خرم دره که دیروز صورت گرفت و در نتیجه آن چندین کارگر به خاک و خون کشیده شدند بدست محکوم و آنرا توطئه سرمایه داران وابسته نامید.

بقیه در صفحه ۸

آیت الله آل شبیر خاقانی:

## جمهوری اسلامی واقعی اصلاح ستن تلگرام را در شماره فردا می خوانید.

## در راه پیمایی خرمشهر توافقنامه مدنی - آل شبیر کان لم یکن اعلام شد

□ راه پیمایان خواهان محاکمه علنی تیمسار مدنی شدند  
خرمشهر شنبه - بیش از ۴۰ هزار نفر از ساکنان خرمشهر امروز در تظاهراتی که بر علیه تیمسار مدنی و آیت الله خلیفائی برگزار شد شرکت کردند و با صدور قطعنامه ای توافق بین آیت الله خاقانی و تیمسار مدنی را به دلیل نقض آن توسط مدنی و سایر مقامات باطل و کان لم یکن اعلام داشتند.

راه پیمایی ۲ هفتبه

خرمشهر - هزاران نفر از مردم خرمشهر بنامسبت گرامیداشت چهلین روز شهادت شهیدای واقعه خرمشهر دست به راه پیمایی زدند.

بقیه در صفحه ۸

# خبرهای اقتصادی

- نفت ایران از زنجیر دلار برید.
- نمایندگان کارخانه جنرال موتورز آمریکا به ایران می آیند.
- ۵۴۸ میلیون دلار کمک های بلاعوض ایران به دیگر کشورها قطع شد.
- وزارت صنایع سنگین تاسیس می شود.

زنجیر دلارگسست. از این پس ایران نفت خود را در قبالت دریافت ین، مارک و فرانک و هر پول معتبر دیگری خواهد فروخت.

این مطلب را علی اردلان وزیر دارائی به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت. وی همچنین افزود: هم اکنون نظر دولت ایران اینست که از طریق بانکهای «ملی» شده اطمینان بانکهای خارجی را جلب کند و نشان دهد که از نظر بینه مالی در وضع خوبی بسر می بریم. البته این موضوع با پرداخت تعهدات به موقع دیون ایران میسر خواهد بود.

وی افزود: تا جایی که بخش خصوصی ظرفیت داشته باشد می تواند از اعتباراتی که دولت بر واحدهای صنعتی اختصاص داده است استفاده کنند و باقی مانده را دولت درجهت بهبود اقتصاد کشور خرج خواهد کرد.

اردلان گفت: شرکت های ضعیف بیمه منحل و در شرکت های دیگر ادغام خواهند شد. و وجوه دولتی در تمام بانکها متمرکز می گردد.

● نمایندگان کمپانی جنرال موتورز آمریکا به ایران خواهند آمد و ظاهراً با نمایندگان دولت ملاقات خواهند کرد. مدیرعامل جنرال موتورز در ایران گفت که هنوز از طریق رسمی اطلاعی درباره ملی شدن سهام امریکائی این شرکت ندارد. او از افزایش مقدار سهم و سود امریکائیان از این کارخانه امتناع کرد.

جنرال موتورز آمریکا ۱۵ درصد از سهام جنرال موتورز ایران را در اختیار دارد. این کارخانه طی یکسال ۷۷-۷۸، ۱۳۹۵۰ دستگاه اتومبیل تولید کرده است. ۳۵ درصد از لوازم اتومبیل های تولیدی این کارخانه در ایران ساخته می شود.

● ۵۴۸ میلیون دلار کمک های بلاعوض ایران به کشور های دیگر قطع شد. دولت های گذشته ایران تعهد کرده بودند ۵۴۸ میلیون دلار به کشورهای و برخی سازمان های بین المللی به صورت کمک بلاعوض پرداخت کنند. و تا قبل از انقلاب بهمن ماه ۱۹۵۰ میلیون دلار از این تعهدات پرداخت شده بود. از جمله پرداخت ها ۲۰ میلیون دلار کمک به صندوق اوپک است که دولت وقت جمهوری اسلامی نیز مشغول مطالعه است. عربستان سعودی که در حال حاضر اولین صادر کننده نفت در جهان می باشد ۶۱۵ میلیون دلار تعهد پرداخت به صندوق اوپک را پذیرفته است.

از جمله کمک های بلاعوضی که در سال گذشته از این مبلغ پرداخت شده چهار میلیون دلار هزینه نگاهداری بیمارستان نتردام در ایتالیا بوده است.

۴۷ میلیون دلار کمک بلاعوض به اردن هاشمی که ۱۰ میلیون دلار آن صرف خانه سازی برای افسران ارتش اردن هاشمی شده است.

## یک نامه

پایه از صفحه ۱ و آخرین بار به آنان ارفاق قابل شویم، اعلام کرده ایم که اگر والدین شان تعهد کتبی بماندند، می توانند به خدمت بازگردند. اما خبر شما با عنوان آن نمی خواند. عنوان اینست که ۶۰ نظامی از ارتش اخراج شدند. و خبر می گوید ۶۰ نفر از هنگ نوجوانان.

حالا فرق عنوان و خبر به کتار، آیا هدف از این اخراج چیست؟ و آنچه بی انضباطی و تمرد نام گرفته، از چه قماش است؟ و این جوانان چه خلاقی سر تکب شده اند؟

چگونه ممکن است ۶۰ نفر را از هنگ درجه داری اخراج کنند و بعد بگویند اگر والدین آنها تعهد کتبی بدهند که دیگر آنها بی انضباطی نخواهند کرد، می توانند به خدمت باز گردند؟ آیا این نوجوانان، در سالهای زیر ۱۵ سال هستند که باید پدر و مادرشان تعهد بپردازند؟ و آیا این کار به منزله شکستن فرور جوانهای جامه داری پوشیده نخواهد بود؟

چرا نگفته اند بی انضباطی و تمرد این جوانان چه بوده است و چکار کرده اند که مشمول دریافت این لقب شده اند؟ انضباط کور، در شان ارتش مردمی نیست و انتظار جوانان اینست که رهبران و فرماندهان ارتش، به غرور و شخصیت آنها در ارتش، احترام بگذارند. در جریان قیام مردم علیه رژیم میلیتاریستی شاه، خیلی ها شاهد بودیم یا شنیدیم که چگونه سربازان با غیرتی پیدا شدند که فرمان مافوق را برای اسلحه کشیدن به روی مردم بی دفاع و حق طلب، اجرا نکردند، و هدف گلوله مافوق قرار گرفتند.

در حالی که آنچه آنها کردند تمرد نبود. اعلام وفاداری به مردم بود، و این مافوق آنها بود که کمر به تمرد از اراده مردم بسته بود. کاش معلوم می شد، تمرد این نوجوانان چه بوده است. و آیا درهای ارتش به روی نوجوانانی که به سن قانونی نرسیده اند، باز است؟ و یا منظور از نوجوانان، کسانی است که ۱۶ سال به بالا دارند، و وقتی که قرار است برای تغییر و عظیم زاده

## پشت پرده

بقیه از صفحه ۱

خبر شفاهی، این است که برنامه می تدارک یافته بود، که چند روزی به تعویق افتاده است و اگر از اصل غنشی نشود میتوان هفته ای، یا زمانی دیگر شاهد پیاده شدن آن بود. درین برنامه، که یک جناح متمصب و خشن متظاهر به مذهب، نقش فعال دارد، و امور را کارگردانی می کند، گویا دستهایی از نظامیان، صاحب علائقی به گذشته، در کار است، و این دستهای متظاهر به اطاعت و اعتقاد مذهبی و انقلابی، که خود رانست به اوضاع و احوال، به شدت متأثر، نگران، و خالی از هر نوع نفع یا فرصت طلبی نشان می دهد، می گویند توانسته است یک طرح را تا مرحله قبول جناح متمصب و خشن برساند که به موجب آن، رهبری در دست گروه متمصب باشد، و جناح لیبرال و ملایم را که اکنون در رأس دولت است، با حرکتی تند و آمیخته با سرکوب گروه ها و تریبون های شناخته شده انقلابی و مستقل و آشتی ناپذیر، به سقوط بکشانند، و، با بهره روری از نام رهبر مذهبی و سیاسی انقلاب قدرت حکومت را خالص و یکپارچه به حزب جمهوری اسلامی، و شورای انقلاب بسپارد. یادآوری می شود، مدار این تدارک، نگامی پدید آمده است، که بنا بر معروف، تهرانی، «جلاذخوب» مدت یک ماه از زندان خود ائتفال یافته بود، و شایع شده بود وی را آزاد کرده اند. و کوپادر این مدت، تهرانی، دست درکار پیوند زدن «حامیان انقلابی» خود با یاران قدیم، و سازمانهای دست نخورده گذشته بوده است. و اکنون آن جناح حشن متمصب، که گرایش های حاد فاشیستی دارد، از حمایت عوامل سه گانه مورد بحث بقایای ساواک، نظامیان و گارد بر خوددار است. و اعلامیه دعوت به قطعه ۴۱ بهشت زهرا برای یادبود تهرانی نیز با این تدارک یا ائتلاف ارتباط دارد.

نکته ظریف اینست که گفته می شود برای جلب کامل اعتماد جناح مورد بحث، نظامیان طرف مذاکره، شرط کرده اند که فقط طرح و کارگردان نامریی جریان باشد، و هیچ توقع و انتظاری ندارند. و سمت و مقامی نیز قبول نمی کنند. و وجه اشتراك آنها، اعمال چنان قدرت قهری می است که ریشه هر نوع مطالبه و مقاومت آشتی ناپذیر را از جانب چه اعم از جناح های مرفی مذهبی، یا لیبرالیها، یا دموکراتها و دموکراتهای رادیکال قطع کند.

طبیعی است که برنامه می از این نوع، می تواند رفسصل جریانهای باشد که واشنگتن و طراحانش دنبال می کنند، و جای جاملی یک ماه اخیر از قول مقامات گوناگون امریکائی رژیم و برای رفراندم قانون اساسی، و برای انتخاب نماینده رای دهند بالغ و مختارند، ولی موقع خدمت، لازم است پدر و مادرشان جای آنها تعهد بپردازند. این طرز تربیت نظامی درست نیست، باید فکر اساسی کرد. افراد ارتش جز مردم این مملکتند و با دیگران فرقی ندارند. و قرار است برای تغییر و عظیم زاده

و برنامه ریزان آنها، مورد تاکید و اشاره قرار گرفته است، و نمایش قدرت او، قوت قلبی برای توطئه کاران محسوب می شود.

شواهد پراکنده، قرینه هایی از زمینه چنین شایعه می همراه دارد. ماجرای قتل حاج طرخانی، در ارتباط با روابط و پیوندهای این مرد، که بار دیگر ترور استاد مطهری را تازه کرد، و حتی در اعلامیه یک گروه که زیر نام «... الهادی» موعظ گیری کرده است، و تا آنجا که در روزنامه اطلاعات انتشار یافت، مورث نکات و سنوالتی است. توجه به نگرانی عمیق رهبر سیاسی و مذهبی انقلاب، در آغاز هفته، نسبت به کوششهایی که برای واکنش خشنوت آمیز نسبت به ده کتر هلی شریعی، نیم پنه نیم آشکار ظاهر شده بود، و اختطاف آمیخته با تگوانی آیت اله طالقانی، و نیز اینکه بین دادگاه انقلاب اسلامی، و دولت کوشیده می شود شکانی به نمایش بگذارند، و از جمله دولت را، نسبت به دستورهای رهبری سیاسی و مذهبی انقلاب، بی اعتنا نشان دهند.

به خوبی احساس می شود که تلاش هفته جاری رهبری انقلاب، متوجه غنشی ساختن انواع تحریکات بود که با دقت، موج به موج و مرحله به مرحله راه می شود. و باید انتظار داشت در طول هفته آینده نیز، همین توجه و هشیاری، غنشی کننده عوامل و اعمال مشکوک نهمفته در تاریکی باشد.

آنچه، در جریان احتمالی، جناح متمصب ریا بازی خواهد داد هفت بسزرگی از پاسداران قلمداد شده است. و طبیعی است که با تحریکات و تظاهرات ضد انقلابی شایعه که در هفته های اخیر بالا گرفته است، هر نوع شایعه را با هوشیاری مورد توجه قرار داد. و نباید به برخورد های اخیر میان پاره ای گروه های مدعی قدرت در حکومت، بی اعتنا ماند.

آنچه یقین است، این است که سلطنت برای اید، در ایران مرده است! و این جسد گندیده ۵۴ ساله را دیگر کسی نمی تواند به ایران بازگرداند و به نمایش بگذارد. ولی خطر دیکتاتوری فاشیستی و نظامی، راه گزنیاید از نظر دور داشت. کاربرد شیوه های امریالیستی را که می شناسیم در شرایط موجود که کشتگاه مناسب انواع میکروب و ویروس آنهاست نمی توان دست کم گرفت.

● مدت زیادی نیست که در بارخانه ها، دسته های ۳ نفری، که در قرارگاه هایی نظیر علی آباد قم، و بالای تهران پارس وسیله گروه «امل» تعلیم دیده اند، دزکارخانه ها جای گروه حفاظت سابق را پر می کنند. تاکنون در چند کارخانه حدود جاده کرج این دسته های ۳ نفری شروع بکار کرده اند، و از تعدادی از کارخانه ها نیز داوطلبانی را برای گرفتن تعلیم می برند. دوره تعلیم دو نوع است، عده ای سه ماه تعلیم دیده اند و عده ای یک ماه آموزش می بینند، و هنگام بازگشت به کارخانه، نقش اداره حفاظت را عهده دار می شوند، و می کوشند شبکه ای از کارگران زیر نفوذ خود برای مبارزه با هر نوع فعالیت مستقل از قلمرو اراده مدیریت کارخانه بوجود آورند و «کارگران خطرناک» و «مزاحم» و «باعث دردسر» را شناسایی کنند.

## هشدار جمعیت کود

بقیه از صفحه ۱

از حلقوم رستاخیزی یا فرماندهان آریامهری بیرون می آید به خلق کرد که از آغاز نهضت همگام و همسنگر انقلابیون راستین ایران بوده و در هزاران میثنگ اعلامیه و قطعه نامه، اعلام کرده که تجزیه طلب نیست، اتهام تجزیه طلبی وارد می شود آیا در ۱۵ شعبان همچون عید نوروز ۵۸ هدیه یی برای خلق کرد در آستین توطئه گران است؟ آیا تدارک یک جنگ داخلی و تحمیلی دیگر در ایران و در کردستان دیده شده است؟

مفسر رادیو، صدای جمهوری اسلامی در اخبار روزهای مختلف از جمله در ساعت چهارده ۱۷ و ۱۹ تیر ماه از تجزیه طلبی در کردستان، به خطر افتادن امنیت کشور، اهانت به مامورین دولت مرکزی و توطئه های ۷۵ مامور متخصص صهیونیسم در کردستان سخن می گوید.

جمعیت کردهای مقیم مرکز با استفاده از تجربیات و نتیجه گیری هایی که تاکنون از رابطه بین زمینه سازی های خبری در رادیو تلویزیون و توطئه های متعاقب آن در کردستان و سایر نقاط کشور بدست آورده است این بار از دولت موقت انقلاب اسلامی سؤال می کند و به خلقهای ایران هشدار می دهد:

۱- اگر مفسر رادیو برنامه خاصی را زمینه سازی نمی کند چرا هویت این مامورین متخصص صهیونیسم را که تعداد آنها را بطور مشخص می داند، افشا نمی کند؟ مگر از صهیونیسم جهانی هم شرم حضور دارد؟

۲- در کشوری که به گفته سرمقاله نویس روزنامه رسمی آن در همان روز (۱۷ تیر) پاز شدن رستورانهایی که غذا را با موسیقی به خورد مردم می دهند... دنباله زنجیر توطئه های حساب شده امریالیست ها و نوکران آنهاست، چرا مفسر رادیو دولتی اش بسهولت از وجود ۷۵ مامور صهیونیسم در کردستان می گذرد بدون آنکه آنها را معرفی نماید یا زمینه های خاص فعالیت آنان را بر ملا سازد؟

۳- آیا قصد اینگونه مفسرها و منظور از این قبیل تفسیرهای سیاسی استفاده از شگردهای فاشیستی نیست که از طریق کناره رمدان و تکرار عباراتی چون «تجزیه طلبی در کردستان» «صهیونیسم در کردستان» «توطئه در کردستان» و «اهانت بدولت در کردستان» اذهان عمومی را برای یورش های بعدی آماده کند.

خلق کرد، جمعیت ها و سازمان های سیاسی کردستان پارها اعلام کرده اند که توطئه ها در کردستان بتوسط خلق کرد طراحی و زمینه سازی نمی شود بلکه توطئه های

طراحی شده است که به کردستان وارد و به خلق کرد تحمیلی می گردد، طراحان این توطئه ها دشمنان خلق کرد و سایر خلقهای ایران هستند که آب به آسیاب خدا نقلاب می ریزند، طراحان این توطئه ها کسانی هستند که گروه های مسلح و فتوادل های وابسته و ارتجاع و استعمار را در کردستان مسلح کرده اند و آنها را علیه دهقانان و زحمتکشان کردستان بکار می گیرند. رادیو صدای جمهوری اسلامی چرا از خطر باندهای مسلح مهاجر که رهبری آن عوامل توطئه های امریالیستی ارتجاعی خاورمیانه در گذشته بود و ارتباط رهبری آن با موساد اسرائیل، سیا ای امریکای ساواک شاه برکسی پوشیده نیست، بدولت هشدار نمی دهد؟ چرا از کمکهای تسلیحاتی و مالی که از سوی عوامل مرتجع مرکزی و محلی در اختیار این باندهای قدره بند مسلح گذارده می شود پرده بر نمی دارد؟

چرا وقتی هواپیمای عراقی، کردستان را بمباران می کند و خانواده های بی پنا کرد را دستجمعی در زیر آوار نابود می سازد و اقدامات دولت از حد یک اعتراض ساده تجاوز نمی کند، علل این حادثه و نظایر آن با مردم در میان گذاشته نمی شود؟ و راه حل منطقی حل مشکلات نظیر آن ارائه نمی گردد؟ کسانی که رادیو دولتی به عنوان طرفدار دولت مرکزی از آن نام می برد و کسانی هستند که تا آخرین نفس جانپدار و هوادار رژیم سلطنتی متفور گشته بودند. افتخار آن مدالهایی است که بخاطر خدمت به رژیم ضد خلقی پهلوی از شاه مخلوع و فرماندهان نظامی رژیم گذشته گرفته اند. شنیده میشود هاهنگ با برنامه های تبلیغاتی کذایی باندهایی بسر ایجا بلوا و اغتشاش به پاره ای از شهر های کردستان گسیل کرده اند. دولت چگونه در قبال این حوادث خود را چون یکبک زیر برف فروبرد است. ما ضمن محکوم کردن مقابله با هر گونه توطئه امریالیست در کردستان و سایر نقاط ایرا اینگونه تفسیر های مغرضانه فاقد مشولیت انقلابی که علی خلق کرد از صدای جمهوری اسلامی بخش می گردد محکوم می کنیم از دولت موقت انقلاب اسلامی خواهیم تا از ادامه ایراداتی نسبت به خلق کرد و احتزاب گروههای مترقی کردستان در سایر های دولتی از تکرار تبعیت نارو تجزیه طلبی و توطئه و ... به خلق کرد که خواستهای برخ آن فقط در خدمت آزادی، استقلال و تمامیت ایران و حفظ دستاوی های انقلابست، جلوگیری به آورد. جمعیت کردهای مقیم مرکز

۱۹۴۱۹

آقای منوچهر بر شاد بوکالت از طرف آقای آصف خلدانی به شناسنامه ۳۸۵۲۳ بشرح دادخواست، کلامه ۶۹۵۰۸ رج این حوزه توضیح داده شد دروان زلیخا خانم خلدانی ۱۲۶۸۴ در تاریخ ۲۷/۲/۳۵ در گذشته وراث او عبارتند از متقاضی آصف خلدانی، شناسنامه ۳۸۵۲۳ و پرویز خلدانی شناسنامه ۲۹۲ و سیروس خلدانی به شناسنامه ۱۳۱۲ (پسران) و ولیقه خلدانی ۲۹۶۳ و خدیجه خلدانی به شناسنامه ۲۱۱۰ و پروین خلدانی به شناسنامه ۱۱۷۷ و سایر به شناسنامه ۳۸۵۲۲ و منور خلدانی به شناسنامه ۳۹ (دختران) لذا مراتب سه توبت ماهی یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلام می شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بشوراً تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شورای اداری حوزه قضایی برون جوالش

۱۶۵۵۴

آگهی حصر وراثت

آقای منوچهر بر شاد بوکالت از طرف آقای آصف خلدانی به شناسنامه ۳۸۵۲۳ بشرح دادخواست، کلامه ۶۹۵۰۸ رج این حوزه توضیح داده شد دروان زلیخا خانم خلدانی ۱۲۶۸۴ در تاریخ ۲۷/۲/۳۵ در گذشته وراث او عبارتند از متقاضی آصف خلدانی، شناسنامه ۳۸۵۲۳ و پرویز خلدانی شناسنامه ۲۹۲ و سیروس خلدانی به شناسنامه ۱۳۱۲ (پسران) و ولیقه خلدانی ۲۹۶۳ و خدیجه خلدانی به شناسنامه ۲۱۱۰ و پروین خلدانی به شناسنامه ۱۱۷۷ و سایر به شناسنامه ۳۸۵۲۲ و منور خلدانی به شناسنامه ۳۹ (دختران) لذا مراتب سه توبت ماهی یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلام می شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بشوراً تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شورای اداری حوزه قضایی برون جوالش

۱۶۵۵۴

# قانون اساسی، در برابر افکار عمومی

پیغام امروز از صاحب نظران برای بیان نظر در مورد متن طرح شده قانون اساسی دعوت می کند

مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد. اولاً ما که قصد کشورگشائی نداریم که بخواهیم مرزها را گسترش بدهیم، ثانیاً حق نداریم، اگرچه همه رای بدهیم، قسمتی از مملکتی را که گذشتگان به امانت به ما داده اند و ما باید به نسلهای بعد تحویل بدهیم، به دیگری واگذار کنیم. کسانی که این اصل را پیشنهاد کرده اند، چه منظوری داشته اند؟

و - در قسمتهائی از بیانات تاریخی امام در موقع مراجعت به ایران در بهشت زهرا آمده است «..... حالا اگر فرض کنیم که همه ملت در آزمون رای دادند که یکنفر سلطان باشد، بسیار خوب، اینها از بابت اینکه مسلط بر سرنوشت و مختار به سرنوشت خودشان بودند، رای آنها برای خودشان قابل قبول است، اما به چه حقی ملت پنجاه سال پیش، سرنوشت ملت بعد را معین میکند. سرنوشت هر ملتی به دست خودش است» همچنین در قسمت دیگر آمده است «... اگر فرض کنیم سلطنت رضاشاه قانونی بوده، آنها چه حقی داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند، هرکسی اختیار سرنوشتش با خودش است، مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ مگر آن اشخاصی که در صد سال پیش ازین، هشتاد سال پیش ازین بودند، میتوانند سرنوشت ملتی را که بعدها بوجود می آید تعیین کنند». با توجه به بیانات امام این سؤال پیش می آید، آیا ما وکیل نسلهای بعد هستیم که از حالا برای آنها نظام و قانون تعیین کنیم؟ آیا حقی را که پدران ما در مورد ما نداشتند ما در مورد فرزندانمان داریم؟

برای تایید فرمایشات امام میبایست ماده ای گنجانده شود که مثلاً هر ۱۵ سال یکبار باید مجلس موسساتی تشکیل گردد و قانون اساسی را کلاً تجدید نظر نماید و هرکجا که آن نسل خواست و به هر صورت که خواست تغییر بدهد.

ز - در متن پیشنهادی اختیارات رئیس جمهور همان چیز است که محمدعلیشاه کوشش میکرد بدست آورد... از نظر این جمعیت، کسانی حق اظهار نظر در موضوعی را دارند که آن موضوع را کاملاً درک کرده باشند.

آیا رای کسانی که رژیم فاسد گذشته آنها را حتی از نعمت خواندن و نوشتن محروم کرده، در این مورد قابل قبول است؟

آیا همه کسانی که سواد خواندن و نوشتن دارند، متن پیشنهادی را با دقت مطالعه میکنند؟

آیا همه کسانی که متن پیشنهادی را مطالعه کرده اند به جزئیات و ریزه کاریهای آن واقف هستند؟ و بالاخره آیا استفاده از رای کسانی که در این مورد آگاهی کافی ندارند کاملاً برداشتن در مسیر گذشته نیست؟

شورای مرکزی جمعیت فرهنگیان آزادیخواه کرمانشاه

دیگران قرار نگیرد» در افراد ناآگاه این فکر را بوجود آورد که شاید منظور تدوین کنندگان از بین بردن استثمار فرد از فرد باشد.

ب - در اصول ۱۱ و ۱۲ کوشش شده است با موعظه، این فکر را در زنان بوجود آورد که زن و مرد از حقوق مساوی برخوردارند، همچنین معنی اصل ۲۱ متن جدید معادل اصل هشتم متمم قانون قدیم معنایش تساوی حقوق و زن و مرد نیست، بلکه معنایش این است که این قانون (که در آن حقوق زن و مرد برابر نیست) هم برای زنان اجرا خواهد شد و هم برای مردان.

ج - در اصل ۲۳ برای مصون بودن عقیده از تعرض، شرط قائل گردیده، که حتی در قانون اساسی سه ربع قرن پیش معادلی ندارد.

د - کلماتی که در مواد قانونی یکبار برده شده، دقیقاً باید در خود قانون معنی گردد. مثلاً در اصل ۶۸ بیان شده «برقراری حکومت نظامی ممنوع است مگر هنگام جنگ به حکم قانون» باید دقیقاً توضیح داده شود، هنگام جنگ یعنی چه،

## قانون اساسی جدید باید ضد استعماری و ضد استبدادی باشد

مگر از هزاری برای اعلام حکومت نظامی مدعی نبود که ما در حال جنگ هستیم؟ باید جلو اینگونه تفسیرها گرفته شود. یا در اصل ۱۳۴ متن پیشنهادی معادل اصول ۷۲ و ۷۹ متمم قانون اساسی قدیم، اشاره میکند که «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در محاکم دادگستری و با حضور هیئت متصفه صورت میگیرد» باید دقیقاً معلوم شود چه جرائم سیاسی و مطبوعاتی هستند، مگر نه این است که در گذشته با وجود چنین ماده قانونی همه جرائم سیاسی و مطبوعاتی بصورت عادی تفسیر میشد و در حالیکه هزاران مبارز در زندانهای رژیم گرفتار بودند، ادعا میشد که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد.

ه - در اصل ۵۸ متن پیشنهادی معادل قسمت اول اصل بیست و دوم قانون اساسی قدیم بیان شده «بناهای دولتی و اموالی که جنبه نفایس ملی دارد قابل انتقال بغیر نیست، مگر با تصویب مجلس شورای ملی». باید توجه داشت که نفایس ملی متعلق به نسل حاضر نیست که اصلاً حق داشته باشد آنها را بغیر منتقل کند، مگر یکمک چنین ماده قانونی نبود که مجالس گذشته، کاخها و نفایس ملی را به شاه و خاندان پلیدش واگذار میکردند.

در اصل ۵۹ متن پیشنهادی معادل قسمت دوم اصل بیست و دوم قانون اساسی قدیم آمده است «تغییر در خطوط مرزی کشور در صورتی ممکن است که به تصویب سه چهارم

پیرو دعوت شورای طرحهای انقلاب در مورد نظرخواهی پیرامون متن پیشنهادی قانون اساسی، جمعیت فرهنگیان آزادیخواه کرمانشاه، موارد زیر را اعلام میدارد.

۱- قانون اساسی جدید درست باید همان چیزی باشد که مردم مبارز ایران در تمام دوران قیام خونین خود، در همه تظاهرات و میتینگها، بارها آنرا اعلام کرده اند. بدون یک قانون اساسی جدید، باید با قانون اساسی گذشته تفاوت های بنیادی داشته باشد. همه بخاطر دارند که طرفداران قانون اساسی گذشته همان چماقداران رژیم سابق بودند، بدون شك کسانی که میخواهند قانون اساسی گذشته را یا نام دیگر دوباره زنده کنند، توجیحی به خواستهای قیام کنندگان ندارند. کسانی که قانون اساسی گذشته را خوانده اند و طرح پیشنهادی جدید را نیز مطالعه کرده اند، به سادگی میتوانند تشخیص دهند که ایندو در اصول اساسی کاملاً یکی هستند. قیام مردم قهرمان ایران، علیه استعمار، استثمار، و استبداد بود، پس قانون اساسی جدید، دقیقاً باید ضد استعماری، ضد استعماری و ضد استبدادی باشد.

ضد استعماری باشد، یعنی در قانون اساسی جدید باید امکان بستن هر نوع قرارداد، تجاری، سیاسی و نظامی یا دول امپریالیستی، که نهایتاً منجر به وابستگی به آنان خواهد شد، منع شود.

ضد استعماری باشد، یعنی با مصادره کردن کلیه تاسیسات صنعتی وابسته به خارج و سرمایه داران زمینداران بزرگ داخلی و خارجی به نفع ملت و محدود کردن ثروت فردی در قانون اساسی جدید، امکان بهره کشی فرد از فرد، از بین برود.

ضد استبدادی باشد، یعنی در قانون اساسی جدید، باید با تضمین آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات آزادی تشکیل جمعیتها و احزاب، محدود کردن قدرت فردی در حکومت، تفکیک قوای سه گانه، احترام کامل به استقلال قوه قضائیه، رفع ستم ملی از کلیه خلقها و تضمین سریع تساوی کامل حقوق زن و مرد، امکان رشد استبداد و دیکتاتوری از بین برود.

۲- قانون اساسی جدید باید طوری نوشته شود، که همه مردم از مواد آن يك استنباط داشته باشند، بعبارت دیگر، باید صریح و قابل فهم عموم باشند. برای نمونه به چند مورد اشاره میگردد.

الف - در اصل ۹ کوشش شده است با مغالطه و بازی با کلمات و گنجاندن جمله «هیچکس مورد بهره کشی و استثمار

## آیا ارتش دوباره در برابر مردم ایستد؟

پس وقتی فقط با صدور یک بخشنامه بشود منطقه باساطفی را جنگی یا در حال جنگ اعلام کرد آیا عبارت «هنگام جنگ» میتواند محدودیتی برای اعلام حکومت نظامی باشد؟ یا توجه به اینکه ارتش نمی تواند جز در اختیار قوه مجریه و بالتبع دولت باشد و تشخیص حالت جنگ با ارتش و خود دولت است بهتر بود عبارت «ممنوع است» هم ذکر نمیشد و خیال همه راحت میشد! سهم التفاقی قانون گزار به همین جا خاتمه پیدا نمیکند. آنچه گزیده و چندش آور است اینست که قانون گزار چقدر راحت با بیان مجمل خود همه جنایاتی را که در زمان حکومت نظامی انجام شده است نادیده گرفته است اصل ۶۸ دوباره مرور میکنیم: «برقراری حکومت نظامی ممنوع است مگر هنگام جنگ به حکم قانون»

حکم قانون اینجا چه معنایی دارد. بنظر نمی رسد بتوان برای آن تعبیر دیگری کرد جز اینکه اعلام حکومت نظامی به حکم قانون یعنی با کسب مجوز از مجلس باید باشد، که قبلاً هم برای برقراری حکومت نظامی نیاز به کسب مجوز از مجلس بود و مجالس هم در این مورد حساسیتی نشان نمی دادند.

آنچه که مسکوت گذاشته شده و باعث تأسف است اینست که قانون گزار نمیگوید هنگام برقراری حکومت نظامی چه قانونی حاکم است.

اگر قانونی در آینده باید تدوین شود، کجا این مطلب بیان شده است؟ مگر اینکه مسکوت قانون را حمل بر این کنیم که قانون حکومت نظامی سابق که باتمسک بدان تیموربختیارها، از هازایها و اوایسیها زمین را از خون خلق گلگون ساختند، هنوز معتبر است. شایسته بود که که بطور کلی حکومت نظامی ممنوع میشد.

پرداخت. ثانیاً فرض که چنین باشد، اصولی که منشا صدور مقرراتی برای توضیح موارد مذکور باشد در پیش نویس قانون اساسی تدوین نگردیده است.

وی پس از بحثی درباره اعمال دادگاههای نظامی در زمان طاغوت، گفت:

خوبشبخانه اصل ۱۳۸ پیش نویس قانون اساسی صلاحیت مراجع نظامی را محدود به جرائم خاص نظامی کرده است لیکن باز بیان مطلب به اجمال برای توسعه مجدد مراجع نظامی و صلاحیت آن جا گذارده است.

زیرا که تاکنون جرم خاص نظامی تعریف نشده است و موضوع آن هم اکنون مورد اختلاف مراجع نظامی و عمومی است.

باز اصل ۱۳۸ نسبت به تعیین مرجع صالح برای بخش عمده ای از جرائم مساکت است و آن، جرائمی است که بسبب خدمت یا در حین خدمت تحقق می یابد و یا توجه به اینکه رابطه سببیت خدمت موضوع کتدبار و قابل تفسیری است چنانچه مواد ۹۸ و ۹۹ و ۱۱۵ تا ۱۱۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش بقوت خود باقی باشد محدودیتی که مورد نظر متن در اصل ۱۳۸ بوده است عملی نخواهد بود.

### حکومت نظامی:

اصل ۶۸ پیش نویس قانون اساسی برقراری حکومت نظامی را هنگام جنگ تجویز میکند. پیش از قیام بهمن ۵۷ ارتش طی بخشنامه ای رسماً اعلام کرد که همه یگانها در وضعیت جنگی هستند. مبنای صدور این بخشنامه دستورالعملهای مربوط به مراحل سه گانه آماده باش بود که در حال حاضر نیز بقوت خود باقی است و براساس آن هرگاه ارتش در مرحله ای از آماده باش قرار گیرد وضعیت جنگی اعلام میشود.

جمعیت دفاع از حقوق مردم آذربایجان

## تشکیل مجلس موسسان ضروری است

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، تدوین متحده و فدراتیو، تضمین شود.

۲- اصل تفکیک قوا و استقلال

۳- پیوند و همبستگی کلیه قوه قضائیه بر مبنای يك عدلیه اقوام ایرانی بر اساس ایالات مقتدر و مترقی، استوار باشد.

۱- جمعیت دفاع از حقوق و آزادیهای مردم آذربایجان، ضمن تأیید معینار خواستهای ملت ایران از قانون اساسی، در تماسی با پیغام امروز اعلام کرد:

۲- تشکیل مجلس موسسان منتخب مردم برای تدوین قانون اساسی ضروری است.

۳- قانون اساسی ملت ایران، باید بر مبنای اصول مندرج در

در جلسه سمینار سرگرد حسین دبیر مقدم از ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره دادگاههای نظامی صحبت کرد. وی پس از تأکید بر لزوم تشکیل مجلس موسسان متشکل از نمایندگان منتخب مردم و اشاره به ساخت ضد خلقی ارتش شاهنشاهی، به بررسی اصول پیش نویس قانون اساسی درباره ارتش پرداخت و گفت:

اصل ۱۲۱ پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بمسئله ارتش واگذار میکند.

اگر فرض بر این باشد که از این پس همیشه دولتها نماینده واقعی مردم خواهند بود و منحصراً در جهت اعمال حاکمیت ملی گام بر میدارند، یا توجیحی که از نحوه تشکیل ارتش بعمل آمد، جایی برای نگرانی باقی نمی ماند. اما همه حرف آنستکه تمرکز قدرت خطرناک است و مردم باید تضمینی در برابر تفویض قدرت بدولت برای رعایت حقوق خود داشته باشند.

جز آنکه از طریق وضع قوانین و شورائی کردن مراجع اخذ تصمیم اقدام شود، راه حل دیگری نمی تواند برای جلوگیری از کاربرد غیر مردمی ارتش وجود داشته باشد. زیرا بهر حال باید این قدرت در اختیار دولت باشد. بلحاظ همین مسئله است که عبارت «حمایت از استقلال و تمامیت ارضی کشور» وافی المقصود نیست. چرا که این عبارت تاب آنرا دارد تا بصورت متفاوت تفسیر و تعبیر شود. لذا منطقی است که سؤال شود: آیا باز هم ارتش که جوانان وطن را در بهترین سالهای عمرشان بخدمت میگیرد و از دستریب زحمتکشانش تغذیه می شود دوباره در برابر مردم می ایستد؟ آیا باز هم تانک برای ارباب و سرکوبی به خیابان می آید؟

اگر نه. منع آن کجاست؟ حدود مسئولیت ارتش و نیروهای نظامی کجا و چگونه از هم مجزا میشود. میدان عمل و کاربرد هر یک تاجحد است و کدام قانون ناظر بر آنست؟ در صورت تکرار حوادث گذشته یا نظیر آن مسئولیت با کسب ابعاد این مسئولیت چه اندازه است؟ و چگونه در سلسله مراتب ارتش تسری پیدا میکند؟ در حال حاضر لمس واقعیت های درون ارتش در رابطه با توطئه هایی که امپریالیسم برای نابودی دست آورد های انقلاب و جلوگیری از اعمال حاکمیت ملی و تحدید آزادی و اختلال به استقلال کشور طرح ریزی شده است، به مسئله مأموریت ارتش و تعیین حدود مسئولیت اهمیت ویژه ای می بخشد. تا آنجا که می توان گفت اگر قرار باشد قانون میزان مسئولیت در کاربرد و اجرا و اعمال قدرت ارتش را با دقت تعیین نکند و باز از رئیس جمهور تاسرباز ساده در يك صف قرار بگیرند، بی تردید تشکیل ارتشی که قادر به حمایت از مردم، مرز و بوم و آرمان های ملی و دموکراتیک باشد امکان پذیر نخواهد بود. شاید گفته شود که قانون اساسی بنائی برای بحث در این مورد ندارد. اولاً که منعی هم ندارد و جز قانون اساسی که در مقام تعیین حدود است بنظر نمی رسد بتوان در قوانین دیگر بشتریح این اصول

# رینگوی طیانچه طلایی

بنام اسلام چه کارهایی که نمی‌کنیم. سید محمد منتظری بازیگرانی را که بنام حمایت از اسلام در می‌آورد، بی‌شبهات به قلم های وسترن مرحوم جان رین نیست. در کجای دنیا سابقه دارد که یک نفر با ۲۵ تفنگدار امنیت فرودگاه بین‌المللی کشور را بهیم بریزد و فردا صبح آزادانه از همان فرودگاه پرواز کند. چالب‌تر اینکه، بار سومی باشد که همین بازی بوسیله همین فرد و دارو دست‌اش روی صحنه آمده باشد. چه کسی مسئول است که از مردم، از توده مردم، از من و شما در مقابل چنین گروه‌هایی حمایت کند؟ دولت یا هر مرجع دیگری چرا اقدام نمی‌کند. این آقا و دار و دست‌اش که به روایتی قسمتی از ساختمانهای یکی از شهرک‌ها را نیز اشغال کرده‌اند، بوسیله چه نیرو و یانیه‌هایی حمایت میشوند؟ سید محمد منتظری با آقای دکتر چمران چه رابطه‌ای دارد؟ آقای بازرگان در این وسط چه کاره است و چه میکند؟

از رهبر انقلاب صمیمانه می‌خواهیم که با نفوذ و قدرت خود به این گونه اعمال که بی‌شک اسلام راستین و واقعی را خدشه‌دار می‌سازد، خاتمه دهند. مردمی که با خلو صفت رهبری ایشان را پذیرفته‌اند، انتظار دارند که ایشان از تبدیل ایران به لبنانی دیگر جلوگیری نمایند. وسائل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون و رادیو و پاره‌ای از نشریات نیز میتوانند نقش موثری در جلوگیری از بروز حوادثی مشابه حادثه فرودگاه مهرآباد داشته باشند که متأسفانه تاکنون قدمی در این راه برداشته‌اند. اگر واقعا دولت نمیتواند امنیت مردم را تامین کند، صراحتاً این مسئله را با مردم در میان گذاشته و از نیروی مردم برای تامین امنیت استفاده کند. اگر قرار باشد هر خودکامه‌ای، دست به

کاری بزند، صبر انقلابی مردم، اگر صبر ایوب هم باشد، تمام خواهد شد. با قاطعیت عمل نکردن، باعث خواهد گردید تا مثل قارچ از زمین کشورمان خودکامه‌های ژ ۳ بدست‌برویند. بیچاره من و شما که پس از سالیان سال تحمل فجایع و خودکامه‌های رژیم طاغوت، در این دوران نیز باید خودکامه‌گی های انقلابی‌نمایان، مسلمان‌نما را شاهد بوده و تحمل کنیم. بزرگترین وظیفه دولت حفظ امنیت کشور است، اگر شهروانی و ژاندارمری از عهده این مهم بر نمی‌آیند، پس سپاه پاسداران انقلاب چه میکند؟ ساعت ۷ روز دوشنبه ۱۱ تیر در خیابان دکتر مصدق بالاتراز تقاطع تخت طاوس، آیا گروه زنجیر بدست را دیدید اگر به خیابان یوسف‌آباد بروید بقایای

## مقالات

**دین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل یا مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.**

خود زندانی می‌گیرند، شکنجه میکنند و بعد آزاد میسازند را چرا به جهاد سازندگی دعوت نمیکنند. بیکاران زنجیر بدست و چاقو کش را چرا بجای تجاوز به مرد و زن در کوی و برزن برای ساختمان دوباره کشور مورد استفاده قرار نمی‌دهید؟ چرا اجازه میدهید که این گروه‌های تجاوز قهرمان‌ترین فرزندان کشور را مورد آزار و شکنجه قرار دهند. کمیته سفارت آمریکا که در

که دوباره همان قوانین ضد خلقی دستاورد انقلاب شکوهمندمان باشد.

طبق مواد ۱۷ و ۱۸ «نوشتن مقالات موهن به احکام و اسامی دین اسلام و مضربه انقلاب اسلامی و نیز مطالب توهین آمیز یا افترا و یا خلاف واقع و حقیقت خواه بنحو اشاء و خواه بطور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید مجازات حبس جنحه‌ای از ۱ تا ۳ سال دارد. در این مورد صفاتی که برای مقالات و مطالب بکار برده شده است مبهم و قابل تفسیر است.

آیا انتقاد از دولت انقلابی و یا از نحوه عمل بعضی از مراجع تقلید و گفتن حقایق در مورد آنان جرم محسوب میشود و مفسر به انقلاب تشخیص داده میشود؟ آیا مشخص کردن جرائم به این نحو نامعلوم سبب نمیشود که هر نوع انتقاد یا درج حقایق تحت عنوان مطالب موهن یا افترا و توهین تلقی گردد؟

در ماده ۲۲ هم همین نکته ابهام در مورد مطالبی که درباره هیات وزرا نمایندگان مردم و هیات قضات در نشریات درج میگردد وجود دارد. با توجه به این ابهام هر نوع انتقاد یا درج حقایق میتواند توهین و افترا تلقی گردد و در نتیجه هیات دولت و نمایندگان را مصون از انتقاد گرداند و کنترل مردم که قدرت واقعی هیات دولت و نمایندگانش نسبت به آنها سلب گردد.

از طرف دیگر کلیه اتهامات مربوط به مواد ۱۸ و ۲۲ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست. باید پرسید به چه دلیل وزارت ارشاد ملی این حق را برای خود قایل است که در صورت عدم شکایت مدعی خصوصی جرمی را ثابت نماید. در حقیقت وزارت ارشاد ملی خواسته است با جانفین نمودن خود به عنوان شاکی خصوصی با اثبات نمودن مجرمیت و مآلا محکومیت ناشر حتی در صورت عدم شکایت مدعی خصوصی راه را برای خود باز گذارد.

طبق ماده ۲۷ به جرائم ارتكابی بوسیله مطبوعات در دادگاه جنایی یا حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود. غرض از انتخاب هیئت منصفه و مشارکت آنان در بررسی جرائم مختلف بخصوص در جرائم سیاسی و مطبوعاتی این است که علاوه بر مسئولین قضایی و اداری که به جرائم رسیدگی میکنند گروهی نیز که منتخب ملتند در این امر مشارکت داشته باشند تا بتوان تیروری که از مردم ریشه می‌گیرند بتوانند در احقاق حق متهمان و دفاع از آنان بوظیفه خود عمل کنند. قانون هیئت منصفه در ایران در خرداد ۱۳۱۰ به تصویب رسید. اما بعلمت وجود نظام دیکتاتوری و ضد خلقی که سلب آزادیهای اساسی را دستور کار خود قرار داده بود این قانون اصلی ترین شرط را که هیئت منصفه باید منتخب مردم باشد نادیده گرفت و اختیار انتخاب آنان را به عهده فرمانداران، رؤسای دادگستری، استانداران و سایر مقامات ذی نفوذ و ذی نفع در قدرت حاکم واگذار کرد. اکنون که به همت مبارزات خلفای قهرمان ما و به پشتوانه خون هزاران شهید راه آزادی بساط تنگین سلطنت و از گون گردیده است لایحه مطبوعات دولت موقت انقلابی در مورد انتخاب هیئت منصفه همان روش را پیش گرفته است. یعنی به دعوت استاندار هشتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر و نماینده وزارت ارشاد ملی تشکیل میشود و هیئت مذکور از افراد مورد اعتماد عمومی مجموعاً ۱۱ نفر را به عنوان اعضای اصلی و ۶ نفر را بعنوان اعضای علی‌البدل از بین گروه‌های مختلف اجتماعی انتخاب می‌نماید.

آیا قانون مطبوعات ملتی که باقیام شکوهمند خود و با خون خویش نهال آزادی‌اش را پرور کرده است باید یادآور دوران اختناق و سلب آزادیهای اساسی و سرکوب خواسته‌های برحق ملت ما باشد؟ شک نیست که مطبوعات و صاحب‌قلمان با مبارزات، اعتصابات و افشاگری‌های خود در جریان جنبش در گذشته نقش موثری داشته‌اند. اینک که آگاه‌سازی مردم و افشای توطئه‌ها و دسیسه‌های شوم امپریالیسم و ارتجاع جهت تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای آن ضروری است با توجه به وظیفه حساس مطبوعات در این زمینه تدوین لایحه مطبوعات با کیفیتی ضد دموکراتیک و نامتناسب با شرایط انقلابی جامعه ما نه تنها آنان را در انجام این وظیفه یاری نمی‌کند بلکه موانعی در انجام این رسالت مقدس و ملی نیز ایجاد می‌نماید.

کانون مستقل معلمان تهران

## نقدی بر لایحه مطبوعات

وجود اشخاص حقوقی را نادیده گرفته و به کانون‌ها و سازمانهای مختلف حق امتیاز نشریه نمی‌دهد در حالیکه چون احزاب و سازمانها و کانونها به عنوان یک تشکل در نظر گرفته می‌شوند نمی‌توان یک فرد را مسئول آنها دانست و با توجه به آزادی احزاب و جمعیتها که دولت نیز بارها آنرا اعلام کرده است علا این آزادی یا قائل شدن حق امتیاز برای اشخاص حقوقی از آنها سلب میگردد.

طبق ماده ۹ این لایحه در صورتیکه صاحب امتیازیکی از شرایط مقرر در بندهای ۴ را نداشته باشد به تشخیص وزارت ارشاد ملی امتیاز نشریه لغو میگردد و در این مورد ذینفع می‌تواند به دادگاه استان شکایت کند. رای دادگاه استان قطعی و غیر قابل فرجام است. به نظر ما لغو امتیاز منحصراً نباید در اختیار وزارت ارشاد ملی باشد و علاوه بر آن نباید رای دادگاه قطعی و غیر قابل فرجام باشد. این خود به نوعی لغو امتیاز توسط وزارت ارشاد ملی را تأیید می‌کند.

در ماده ۱۰ می‌گوید «عدم انتشار منظم نشریه موجب لغو امتیاز خواهد شد». آقای وزیر ارشاد ملی تحت چه ضوابطی از کسانی که از هفت‌خوان رستم گذشتند و موفق شدند امتیاز نشریه‌ای را بگیرند می‌خواهد با وجود افراد چماق‌بدست و حمله آنان به دفاتر روزنامه‌ها و ناگزیر نمودن ناشرین به اینکه هر روز و هر هفته درجایی مشغول باشند بطور مرتب نشریه را چاپ کنند و حتی آدرس دقیق دفتر نشریه و چاپخانه و نام نویسنده را خواسته است که در هر شماره آن قید شود تا چنان بدستان و بازماندگان ساواک به تحریک توده‌های ناآگاه بپردازند و با تعیین محل‌های مورد یورش برنامه‌های تهاجمی با تعیین روز و ساعت برای خود تموین کنند.

در ماده ۱۱ می‌گوید که: «اصول فکری و اعتقادی و روش نشریه قید و در بالای صفحه اول کلیشه شود». لایحه همانگونه که به غلط به مردم تقسیم شده «هر کس انتقاد کند و حقایق را بگوید ضد انقلاب و ضد اسلام است». باید بجای روش انتقادی و حقایق‌نگاری نوشت ضد انقلابی و ضد دین و اگر هم بهمان لفظ انتقادی و حقایق‌نگاری اکتفا نمودیم معنی این واژه‌ها خود بخود تفسیرهای دیگری پیدا میکند. تازه این از نظر روش نشریه است از لحاظ اصول فکری و اعتقادی لایحه یا باید نوشت کارگری یا سرمایه‌داری که بطریق اولی کارگری هم ضد دین تفسیر خواهد شد. از طرفی روزنامه‌ها و ارگانهای مستقل بعنوان «اصول فکری و اعتقادی» یا توجه به مواضع ضد امپریالیستی و دموکراتیک در بالای صفحه اول نشریه چه موضعی را باید بنویسند؟ آیا «ضد امپریالیستی و دموکراتیک» هم بگونه‌ای ضد انقلاب تلقی خواهد شد؟

در قسمت ب از ماده ۱۶ تصریح شده است که «هر کس افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کند به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم میشود». باید دید چه نوع اخباری به نافرمانی و عدم انقیاد تفسیر میشود؟ مثلاً یکی از قوانین فعلی ارتش عدم شرکت نظامیان در احزاب و گروه‌های سیاسی است. آیا اگر افسران و افراد آگاه ارتش با این خواست ضد دموکراتیک مخالفت نمایند و مخالفت آنان در نشریات درج شود تشویق و ترغیب افسران و افراد ارتش به عدم انقیاد احکام نظامی محسوب خواهد شد؟ و یا اگر فرماندهانی در صدر امور قرار گیرند که مورد تأیید نظامیان نباشند و با اعتراض آنان مواجه گردند باید دیده‌ها را نادیده انگاشت و از نوشتن وقایع خودداری نمود تا به ترغیب و تشویق نظامیان به نافرمانی تعبیر نگردد؟ باید حساب ملت با ارتش روشن شود. آیا ارتش می‌خواهد به همان شیوه سابق از ملت فاصله داشته باشد و مردم از کسب اطلاعات و حقایق مربوط به ارتش محروم بمانند یا ارتش انقلابی ما باید این فاصله‌ها را از میان برده و بگونه‌ای که یکی از آنها همان نشریات است حقایق را با ملت در میان نهد؟

آقای وزیر ارشاد ملی، بی‌شک خلفای مبارز ما با خون‌هایی که داده‌اند لیاقت آن‌را دارند از حقایق که شما در شان آنان نمیدانید آگاه گردند و این خواسته برحق آنان است زیرا ما کشته ندادیم

قبل از بررسی لایحه مطبوعات اولین پرسشی که مطرح میشود این است که اصولاً پیش از تدوین قانون اساسی میتوان به ارائه قوانین و مقررات آنها در زمینه مطبوعات که از ارکان اساسی نظامهای حاکم بر جوامع است پرداخت؟

اگر معتقدیم که قانون اساسی چهارچوب و منبع اصلی قوانین و مقررات هر جامعه است در این صورت ضرورتاً هر نوع تعیین ضوابط و ملاکی در مورد مسائل اساسی، منجمله مطبوعات باید بعد از تدوین قانون اساسی صورت پذیرد.

نکته جالب اینکه در ماده ۲۳ لایحه اشاره به قانون اساسی می‌کند بی‌آنکه مشخص سازد منظور کدام قانون اساسی است؟

تقدم لایحه مطبوعات بر قانون اساسی و ضرورت تدوین قانون مطبوعات بر مبنای قانون اساسی سؤال دیگری را مطرح میسازد و آن اینکه علت تنظیم این لایحه در این مقطع زمانی و یا این تعجیل چیست و چه کسانی و بر مبنای کدام حق و بر اساس چه معیارهایی به تدوین این لایحه پرداخته‌اند؟

مسئله در این مورد بر اساس تحلیل شرایط اجتماعی و ماهیت طبقاتی دولت موقت انقلابی جواب این سئوالات را میتوان عرضه نمود اما ما ترجیح می‌دهیم که وزارت ارشاد ملی همانگونه که به خود حق تدوین لایحه مطبوعات را داده است خود نیز پاسخگوی انتقادات این لایحه باشد.

ما در دوران بازسازی انقلابی که پیش از هر زمان احتیاج به فضای دموکراتیک و لمس آزادی داریم با مسائلی مواجه میشویم که کمتر از آن بوی آزادی استشمام میشود و اگر وضع بدین منوال ادامه یابد بیم آن میرود که دستاوردهای انقلاب دستخوش هجوم استبداد به گونه‌ای دیگر شود و خفقان مجدداً بر کشور ما مستولی شود.

با توجه به اصل ۱۱ اعلامیه حقوق بشر که «آزادی فکر و عقیده را یکی از حقوق گرانبهای بشری می‌شمرد و هر کس را بجزا میداند که هر چه میخواهد بگوید و بنویسد و طبع کند به شرط آنکه از آزادی سوء استفاده نکند» و با در نظر گرفتن زمان صدور این اعلامیه میتوان انتظار داشت که اگر لایحه مطبوعات ما در قرن بیستم مشابه آن قوانین دموکراسی و رعایت‌کننده اصول آزادی نیست حداقل از مرز آزادی چندین قدم عقب‌نشینی نکند و با ایجاد بن‌بستهای گوناگون این همه سنگ پیش‌پای مطبوعات نیندازند.

در چنین دورانی دادن امتیاز به نشریات یکی از همان قوانین ضد خلقی و استبدادی پهلوی در جهت سرکوب نمودن آنهاست بوده که با قلم خود در آگاهی توده‌ها سیم موثری می‌توانستند داشته باشند. از طرفی دیگر این لایحه دادن امتیاز را منوط به داشتن تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی و حسن شهرت می‌نماید. «باید دید که معیار سنجش تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی چیست؟»

سابق بر این هرگاه دنبال سوابق کسی می‌گشتند کلیه وزارتخانه‌ها از سازمان منحل ساواک استمداد می‌جستند. حال وزارت ارشاد ملی در این مقوله از چه منبمی می‌خواهد طلب یاری کند؟ مگر برای داشتن صلاحیت اخلاقی همان برك عدم سوء پیشینه نمی‌تواند معیار باشد و تقوای سیاسی افراد را مبارزات سیاسی و عدم همکاری با ساواک منحل تضمین نمی‌نماید؟

به هر حال گذاشتن این دوش شرط نکته ابهام بزرگی است و بی اختیار ما را به یاد تعریف قانون می‌اندازد که همیشه حافظ منافع طبقه حاکمه بوده است و در کشور ما هم با آنکه پیدایش قوانین رانتیجه قراردادهای اجتماعی و توافق افراد مردم می‌دانند و عقیده دارند بنحوی برای جریان امور باید حد و مرزی معین کرد می‌توانیم دقیقاً به این نکته اشاره کنیم که این حد و مرز هم به خاطر منافع طبقه حاکمه ایجاد می‌شود، و از آنجا که گاه منافع طبقه حاکم دربرگیرنده منافع خلق نیست قوانین وضع شده می‌تواند بیانگر خواست واقعی توده‌ها نباشد و مقید نمودن مطبوعات هم یکی از اصول حفظ منافع طبقه حاکمه است و درست به همین دلیل است که دادن امتیاز را فقط به اشخاص حقیقی مجاز می‌دانند یعنی عملاً با انداختن بار مسئولیت مجازات‌ها به دوش یک فرد

# چه کسی مسئول تبعید معلمان گچساران است؟

در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری ۴۲ نفر از معلمان گچساران به عنوان اعتراض به عدم انتصاب مجدد یکی از همکاران خود و اقدامات غیر دمکراتیک و دخالت های ناروایی که بوسیله بعضی افراد فرصت طلب و غیر مسئول کمیته انقلاب در امر آموزش و پرورش انجام می شد پس از تصحیح و عدم رسیدگی بخواست های آنان ، به استعفای دسته جمعی اقدام می نمایند . اداره آموزش و پرورش گچساران نهایتاً با خواست بحق معلمان موافقت نمی نماید بلکه استعفای دسته جمعی آنان را که صرفاً منظور اعتراض صورت گرفته بود بهانه قرار می دهد و از بازگشت آنان به کار ممانعت می نماید و دستور قلع حقوق آنان را صادر می کند و اینک نیز پس از دو ماه پلانکلیفی ، بازگشت آنان راه کار منوط به تقاضای انتقال آنان از منطقه جالب اینک وزارت آموزش و پرورش خود به غیر قانونی بودن اقدام خودسرانه مسئولان آموزش و پرورش گچساران واقف است زیرا در ذیل نامه معلمان مستعفی

به مسئولان آموزش و پرورش گچساران اعلام می دارد که چون استعفای دسته جمعی این معلمان با موافقت وزارت آموزش و پرورش صورت نگرفته است ، باید بکار گمارده شوند و حقوق آنان نیز پرداخت گردد. از طرف دیگر در جلسه تفاهمی که بین معلمان مستعفی و کمیته انقلاب گچساران در تاریخ ۲۶/۲/۵۸ تشکیل گردید مقرر شد "باتوجه به اینکه استعفای معلمان صرفاً بواسطه همدردی صنفی و حفظ احترام معلم بوده و فعلاً برائرتفاهم موجود منسرف هستند ، مقدمات بازگشت مجدد ایشان به کار هرچه زودتر فراهم شود".

با اینهمه معلوم نیست مسئولان آموزش و پرورش گچساران بر مبنای کدام قانون و بر اساس چه حقی این معلمان را مجبور به تقاضای انتقال از گچساران و در حقیقت مجبور به قبول تبعیدی نمایند و با تصمیم یک جانبه خود خط پلانکلیفی وزارت آموزش و پرورش و تصمیم جلسه مشترک معلمان مستعفی و کمیته انقلاب می کنند . شاید تحت تاثیر و

# کارکنان مبارز دارای : ساواک در فکر متلاشی ساختن شوراهاست

گروه کارکنان مبارز وزارت امور اقتصادی و دارایی ضمن اعلامیه ای به کلیه کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی هشدار دادند که شوراها باید زبان گسویا و دست توانای ما کارکنان مبارز این وزارتخانه باشد.

در اعلامیه اینطور آمده است: شوراها باید پیام آور همه آن روزهایی باشد که جلسات افشاکری و سازماندهی خود را زیر سفیر گلوله های مسلسل برپا می نمودیم.

باید یادآور آن روزهایی باشد که قهرمانان در مقابل پلیس مزدور و ارتش ضد خلقی رژیم منفور پهلوی فریاد "زنده و جاوید باد راه شهیدان خلق" را سر میدادیم و باید در برگیرنده همه آن خصلتهای اصیل انقلابی باشد که در سخت ترین شرایط مبارزه از خود نشان دادیم.

شما هشدار میدهم که جواب گوی سبیل عظیم انقلاب توفنده ما که همچنان در حرکت است نیستید شما هشدار میدهم که دچار سر درگمی و محاذله کاری شده اید. شما هشدار میدهم که جاسوسان سیا و مأموران دژخیم ساواک که متأسفانه همچنان مصدر امور می باشند لحظه ای از فکر تلاشی شوراها یعنی تجلی اراده کارکنان غافل نیستند.

# یکی از پاسداران در حمله به کتابفروشیهای بروجرد: امروز فقط هشدار بود، چرا آتش زدید

بروجرد - گروهی ناشناس، چهارشنبه گذشته ، با شمارهایی بر ضد نیروهای انقلابی در خیابانهای شهر براه می افتند و بعد از یورش به چند روزنامه فروشی و پاره کردن روزنامه آیندگان و آهنگر ، به کتابفروشیهای نیما ، روزبه و آزادی حمله نموده و تمام وسایل و کتب آنها را به وسط خیابان می ریزند و آتش می زنند. به گفته یکی از شاهدان عینی ، موقعی که پاسداران سر می رسند ، از زبان یکی از آنان درمی رود که: امروز فقط قرار بود هشدار باشد، نه آتش سوزی. نکته قابل توجه اینکه، تمام این جریانها ، پس از سخنرانی واعظ معروف فلسفی صورت می گیرد.

تاکنون نیروهای پیشرو از آن جمله سازمان پیکار ، جامعه روحانیت مبارز و دانش آموزان مبارز بروجرد طی اطلاعیه هایی ، این قبیل اعمال فاشیستی را که توسط افراد شناخته شده و مرتجع انجام می گیرد ، بشدت تکیه و محکوم کرده اند.

**پیغام امروز**  
**مدیر مسئول - رضامرزبان**  
**زیر نظر شورای نویسندگان**  
**ناشر: پیغام نو**  
**نشانی: پستی تهران صندوق**  
**شماره: ۴۱۲۶۶۷۰**

# خانواده دو دانشجوی زندانی دانشگاه اصفهان : فرزندانمان در کنار ساواکی ها در بندند

خانواده های دو دانشجوی زندانی دانشگاه اصفهان، علی اصغر تقی پور و احمد غلامی در رابطه با، بازداشت مشکوک فرزندانشان نامه ای به "پیغام امروز" نوشته اند. که آنرا عیناً نقل می کنیم:

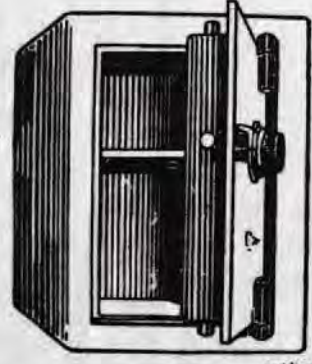
اکنون مدت ۲ ماه از دستگیری و بازداشت آقایان علی اصغر تقی پور و احمد غلامی میگذرد این دو در اثر اتفاق حادثه ای در منزلشان به توسط پاسداران کمیته اصفهان، دستگیر و پس از بازجوییهای یکماهه، توسط مامورین کمیته تهران، به این شهر آورده شده و در زندان قصر زندانی میگردند.

ایان یکماه از آوردنشان به تهران سپری میشود، اما علیرغم مراجعات، تذکرات و نامه هایی که به مراجع مسئول نوشته شده ، هیچگونه اقدامی در مورد تعیین تکلیف و آزادی آنان بعمل نیامده و گماکان بعد از دو ماه بازداشت، بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشند پلانکلیفی و زندانی میباشند. ما از خلق مبارز ایران و مقامات از بی تکلیفی در آورده و به بازداشت مسئول سئوال می کنیم، آیا



# جای امن کجاست؟

جای امن آنجاست که آنچه مورد حفاظت قرار میگیرد از دستبرد آفات ویلای طبیعی و اجتماعی در امان باشد . سندوق نسوز کاغذ ، علاوه بر آنکه وجوه نقد ، اسناد و اوراق بهادار جواهر آلات و سایر اشیاء گرانبهای شما را از دید دیکر آن دور نگه میدارد آنها را از حوادث ویلایی همچنان آتش سوزی ، سرقت طوفان ، سلب و ... حفظ و حراست میکند .



**سندوق نسوز کاغذ**  
معاف و نگهدارنده شوقهای شماست

تولید شده در ایران - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۲۸ - صندوق پستی ۱۱۱ - شماره تماس: ۴۱۲۶۶۷۰

# جمعیت کردهای مقیم مرکز : توطئه های شوم در پیرانشهر در شرف تکوین است

ارتش و فتوای الهادری پیرانشهر چه می کنند؟

از منطقه دریافت میشود حاکم از آنست که هلیکوپترهای نظامی و تانکها از هوا و زمین مردم بی پناه را به گلوله می بندند و تکتون دهها هکتار از مزارع مردم را سوزانده اند.

روشن نیست که دولت انقلابی و ستاد ارتش ملی اسلامی چگونه بخود اجازه میدهند که اسلحه را بدست فتوای الهادری و کسانی بدهند که تا آخرین روزهای انقلاب از سرسپردگان رژیم سابق بوده و جاوید شاه می گفتند.

اکنون این پرسشها برای ما مطرح است:

- چرا دولت مهندس بازرگان عناصر سرسپرده رژیم سابق از قبیل شیخ طه گزگسک، عبدالله قادری و دیگر سران و مالکان ضد خلقی و ضد انقلابی ایل منگور و زوزا را مسلح کرده است؟
- چرا بجای محاکمه و مجازات افسر جنایتکار گارد جاویدان که فرماندهی مزدوران فتوادل را بعهده داشت و بوسیله زحمتکشان کرد دستگیر شد ناجوانمردانه

# کتابهایمان می سوزد، اما اندیشه ما پابرجاست

مبارزان را زحمتکشان لرستان به مناسبت کتابسوزان بروجرد، اعلامیه ای انتشار داد. متن اعلامیه چنین است.

اگر مغولها توانستند با کتابخانه ها چرخ تاریخ را از حرکت بازدارند. اگر دادگاههای قضایی عقاید قرون وسطی توانستند زمین را از چرخیدن باز دارند. و اگر شاه جلاد توانست دیواری پایدار میان خلق و آگاهی بکشد کتابسوزی های مرتجع نیز خواهند

طرح پیشنهادی اساسنامه سندیکای کارگران (۲)

# مختصری راجع به سندیکا

سندیکا از جمع شدن کارگران يك صنف ویا يك حرفه برای یکی کردن حرفشان وگیز آوردن راهبانی برای مبارزه با سرمایه داران و پیمانکاران برای بدست آوردن حقوق برحق (اقتصادی-اجتماعی) آنان بوجود می آید.

## سندیکا بر دو نوع است:

۱- سندیکای قلابی که پادخال عدهای سرمایه دار و مفتخور و بنا دخالت پیمانکاران و کارفرمایان که از ناآگاهی ماکارگران سوءاستفاده می کنند بوجود می آید.

۲- سندیکای واقعی که از جمع شدن ماکارگران به دور هم ویا انتخاب نمایندگان واقعی ماکارگران توسط خودما و بدون هیچ نوع دوزوکلکی در انتخابات بوجود می آید.

## منظور از تشکیل سندیکا چیست؟

منظور از تشکیل سندیکا دفاع و بدست آوردن منافع اقتصادی و اجتماعی بر حق کارگران از سرمایه داران می باشد. سندیکا ابتدائی ترین شکل تشکیلات کارگری است که کارگران را به قدرت و اتحادشان آگاه می گرداند. برای این کار سندیکا می تواند با سایر سندیکاهای دیگر همکاری کند.

## بعضی از وظایف سندیکا عبارتست از:

بالا بردن دانش و آگاهی حرفه ای - اجتماعی و سیاسی کارگران، ایجاد کتابخانه، گذاشتن کلاسهای پیکار با بیسوادی و ایجاد صنوفهای کمک اعتصاب و تعاونی...

## چه کسانی می توانند عضو سندیکا شوند؟

فقط کارگران يك صنف ویا يك حرفه صرف نظر از تفاوت سن - جنس - مذهب - نژاد و سایر اختلافات غیرصنفي که کارگران باهم دارند، می توانند سندیکای واقعی خود را تشکیل دهند زیرا چیزی که در سندیکا باعث پیوند بین کارگران يك صنف مثلا (نقاش) می شود منافع صنفي آنهاست مثلا وقتی میگوئیم: باید هر کارگری به خاطر تأمین آینده خود و خانواده اش بطور رایگان بیمه شود و کارگران وقتی از دولت می خواهند بیمه شوند به این موضوع کاری ندارند که همه مسلمانند یا همه مسیحی و... بلکه در ابتدا در نظر میگیرند که همه نقاش هستند و برای نشان دادن قدرت خود و گرفتن حقه بیمه خود باید پراکنده نشوند و پشت سرهم باشند.

اما کارفرما چه کاری می کند؟ کارفرما که برایش کارگر مذهبی و غیر مذهبی و کارگر ارمنی و کارگر یهودی... باهم فرقی ندارد و از همه به يك اندازه سود می برد و برایش افکار کارگران اهمیت ندارد بلکه نیروی کارشان مهم است او فقط توسط عواملش سعی می کند از بوجود آمدن تشکیلات کارگری واقعی جلوگیری کند ویا در تشکیلات آنها نفوذ کند تا افکار کارگران را تا آنجایی که میتواند از مبارزه بر علیه خود منحرف کند و به مبارزه علیه خودش بکشاند به این دلیل است که موضوع مذهبی و غیر مذهبی را پیش می کشد تا بین ما اختلاف بیاندازد.

## هیئت مؤسس به چه کسانی می گویند؟

هیئت مؤسس یا هیئت بوجود آورنده سندیکا عدهای از کارگران آگاه و مبارز و باتجربه ای می باشد که کارگران را برای تشکیل سندیکا به دور هم جمع می کنند و در واقع هیئت مؤسس موتور سندیکاست چرا که کارگران يك صنف را به سه حرکت می اندازد.

## پایه های سندیکا کدام است؟

سندیکا مانند ساختمانی است که بر روی سه ستون به نامهای مجمع عمومی، هیئت دبیران و بازرسان استوار است. اما پایه و ستون اصلی سندیکا مجمع عمومی است که دو ستون دیگر یعنی هیئت مدیره و بازرسان بر آن قرار دارد.

## مجمع عمومی چیست؟

وقتی کارگران به دور هم جمع میشوند می گویند مجمع عمومی تشکیل داده اند. پایه اصلی سندیکا همین مجمع عمومی است و باید کلیه تصمیم گیریهای مهم توسط آن باشد.

مجمع عمومی دو نوع است: الف- مجمع عمومی عادی که میتواند ماهی یکبار و یا هرپانزده روز (با نظر اکثریت کارگران) تشکیل شود.

ب- مجمع عمومی فوق العاده که در مواقع ضروری به دعوت هیئت مدیره و یا بازرسان و بنا به تقاضای یک سوم اعضای سندیکا تشکیل میشود.

هیئت دبیران (هیئت مدیره) چه کسانی هستند؟ هیئت دبیران نمایندگان واقعی کارگران هستند که برای اجرای تصمیمات کارگران که در جلسات عمومی گرفته میشود، انتخاب می گردند. اعضای هیئت مدیره در درجه اول باید از صادقترین و مبارزترین کارگران باشند و نباید دارای حواصیل خودکارگری باشند و در درجه دوم باید راجع به مسائل کارگری آگاهی و تجربه کافی داشته باشند. بازرسان به چه کسانی می گویند؟ حدود ۳ نفر کارگر که با رأی اکثریت کارگران برای کنترل، دفاتر و اسناد سندیکا و نظارت بر چگونگی اجرای کارهای هیئت مدیره انتخاب میشوند، بازرسان نام دارند.

## چهل وهشت

# کارگر اینترنشنال چه می خواهند؟

کشت و صنعت دامپروری مغان طی نامه ای به روزنامه اعلام کرده اند که بعد از باز شدن شرکت، کارفرما از پرداخت حقوق ماههای اعتصابی کارگران خودداری کرده است کارگران اعلام نموده اند که سیاسی و حیثیتی نمایندگان کارگران هستند تا از حقوق عقب افتاده کارگران دفاع کنند.

چهل و هشت تن از کارگران شرکت اینترنشنال کانسراکشن کر ایران آمیته وابسته به شرکت



# کارگران آلستوم از مبارزه خسته نمی شوند

برای رسیدن به خواستها

از جمله انگیزه های امپریال-لیسم جهان خوار برای سرمایه گذاری در کشورهای وابسته، بهره وری از نیروی کار ارزان است. شرکت های چپاولگر خارجی معمولاً کارهای طاقت فرسا و کم مزد را به عهده کارگران بومی می گذارند و در عوض ارزش افزوده حاصل از دسترنج آنان را به کشور های خود عودت میدهند. در سالهای گذشته مبین ما ایران نیز عرصه تاخت و تاز امپریالیستهای رنگارنگ بوده است. بعد از قیام شکوهمند بهمن ماه، عده زیادی از کارفرمایان خارجی که «کشتی ثبات» را لرزان میدیدند موقتاً و تا زمانی که آنها از آسیاب بیفتد ایران را ترک نمودند و حفاظت از منافع خود را به جیره خواران داخلی شان سپردند. آنها اکثر کارگران را بدون پرداخت هیچگونه حقوق و مزایایی اخراج کردند. کارگران بیکار شده به این خیال که دولت جدید حاصل انقلاب است و در نتیجه حامی انقلابی ترین طبقه یعنی طبقه کارگر است و در مقابله با شرکت های چپاولگر خارجی جانب آنها را خواهد گرفت. به امید رسیدن به حقوق خود به مقامات مسئول مراجعه نمودند. لیکن عملاً دریافتند که دولت گوشش به این حرفها بدهکار نیست و در پی آن است که سیاست «مهمانوازی» پیشین را پیشه خود سازد. شرکت پیمانکاری آلستوم نیز یکی از همان چپاولگران خارجی است که بعد از قیام بیش از نیمی از کارگران خود را اخراج نموده است. دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر در مسجد سلیمان گزارشی از مبارزات کارگران این شرکت تهیه کرده است که قسمتهایی از آن را می خوانیم:

آلستوم يك شرکت پیمان کاری فرانسوی است که روی سد مسجد سلیمان کار میکنند. کارفرمایان زانو صفت قبل از قیام بیش از نصف کارگران را موحس کرده و به آنها وعده میدهند که بعد از آرام شدن اوضاع مملکت بر سر کارشان باز خواهند گشت. ولی با قیام قهرمانانه بهمن ماه امپریالیستها و کارفرمایان خارجی از ترس مجازات به دست خلق پا به فرار می گذارند و دو نفر مزدور با عنوان نماینده شرکت و به اصطلاح نماینده کارگران را به جای خود باقی میگذارند تا از اسوا و مناقضاتشان محافظت کنند. اما کارگران که مستقیمترین بار انقلاب را بر شانه های استوار و زحمتکش خود نگاه داشته اند بعد از قیام به امید اینکه دنیای ظلم و ستم

کارگران بیسکویت سازی کرجی:

# شورای مدیریت در کار شورای کارگری اخلال میکنند

شوراهای کارگری در دوران انقلاب برای آن شکل گرفتند که بتوانند در شرایطی که سرمایه داران کارخانه ها را تخریب و تعطیل می کنند، در شرایطی که مبارزات مردم می رود اوج گیرد علاوه بر کنترل کارخانه بدست خود، با ایجاد شوراهای خود را برای شرکت در مبارزات اجتماعی نیز متشکل کنند. و اکنون کارگران از آن جهت به تشکیل شوراهای کارگری تاکید می کنند که بتوانند هم چنان برای مبارزه علیه استثمار کارفرمایان و سرمایه داران، برای دفاع از حقوق اقتصادی - اجتماعی - سیاسی خود، در کارخانه ها توسط این شوراهای متشکل شده و به قدرت متحدی برای مبارزه تبدیل شوند.

امروز کارفرمایان بازگشته اند و با تکیه بدولتی که نماینده خودشان می باشد، می خواهند در کارخانه ها در کلیه ارکان اجتماعی قدرت گذشته خود را باز گیرند امروز کارفرمایان بازگشته اند تا دوباره به استثمار کارگران ادامه دهند تا دوباره سودهای کلان خود را از نیروی کار کارگران بیرون بکشند و از همین روست که کارفرمایان شوراهای را سر راه خود می بیند و با آن مخالفت می ورزند و اگر مخالفت هم نکنند از آن جهت است که بتوانند توسط عوامل خود در شوراهای نفوذ کرده و آن را طبق منافع خودشان رهبری کنند.

کارگران بیسکویت گرجی طی نامه ای بایش از عدم امضاء که برای مافستاده اند نوشته اند که درست در زمانی که شوراهای کارگری کارخانه آنان در حال سرو سامان دادن به امور کارخانه بود، شورای مدیریت کارخانه برای آن که بتواند همان روش سابق و قبل از انقلاب برای اسنادی دال بر وفاداری آقای رئیس به شاه مخلوع را کشف کند و رئیس اداره کار را رسوا نمایند. کم نیستند شرکت هایی که با اینگونه مسایل درگیرند و نمونه های زیادی مثل شرکت های: هارزاس، ساسر، ایران کار، ام. تی. اس، سیف باشی و... را می توان در همین شهر کوچک دید و به چند دلیل زیر هیچکدام تا حالا نتوانسته اند حقوق حقه خود را از حلقوم این سرمایه داران استثمارگر بیرون بکشند:

- ۱- وجود افرادی به ظاهر انقلابی مثل (ایزدی) رئیس اداره کار در راس کارهای اداری.
- ۲- عدم تشکل کارگران.
- ۳- نداشتن سندیکای واقعی و...
- و تنها راهی که میتواند به کارگران کمک نماید تا بتوانند حقوق حقه خود را از گلوئی سرمایه داران زانو صفت بیرون بکشند اتحاد است.
- کارگران با سلاح خود یعنی اتحاد باید به همه کارفرمایان و سرمایه داران و کسانی که حامی آنها هستند نشان بدهند که قدرت طبقه کارگر را نباید دست کم گرفت.

## عناصر ارتجاعی مخالف شورا هستند

- کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - خوجه لبر با انتشار اعلامیه ای، تلاش عناصر ارتجاعی را برای از هم پاشیدن انتخابات شورای دهقانی فاش ساخته است. در این اعلامیه به اقدامات این عوامل در گذشته و نقش ضد انقلابی آنان به این ترتیب اشاره شده است:
- ۱- خرید زمینهای اهالی تحت فشار شدید در محدوده (کپور چال).
- ۲- زدوبند و فروش زمین سرگرد فیروزبخش بدون سند.
- ۳- تصرف غیر قانونی و استفاده از بسودجه اعتبارات ساختمان دبستان روستا و فروختن وسائل ساختمانی مدرسه.
- ۴- جمع آوری پول از اهالی روستا برای لوله کشی آب باتوجه به اینکه هزینه لوله کشی قبلاً تأمین اعتبار شده است.
- ۵- استفاده و حیف و میل صدی دو انجن ده.
- ۶- رشوه گیری برای معاف کردن مشولان.
- ۷- پشتیبانی از قانون اساسی ضد مردمی رژیم سابق در زمان صدارت بختیار.

## کارگران کارخانه بریجستون

کارگران گرومی از کارگران کارخانه بریجستون شیراز اسارت سعادت را توطئه مرتجعین و مزدوران امپریالیسم خوانده و به سکوت مقامات دولت، شورای انقلاب و وزیر دادگستری اعتراض کرده مصرا نه خواستار آزادی مجاهد اسیر شده اند

## وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه

در تلگرافی به دادستان انقلاب

# مردم ترکمن صحراباز گشت اناقلیچ نقشبندی را به گنبد هشدار دادند

● نقشبندی روحانی نمایی که برپاکننده تظاهرات چماق بدستان بود باید به مجازات اعمال تنگین خود برسد

گروهی از مردم ترکمن صحرا طی تلگرافی به دادستان کل انقلاب بازگشت اناقلیچ نقشبندی، روحانی نمایی که برپاکننده تظاهرات چماق بدستان در ۲۰ بهمن ۵۷ بود را به گنبد هشدار دادند و تقاضا کردند مسئولان قبل از هر توطئه چینی حرکت وی را خنثی سازند. متن تلگرام به این شرح است: مدتی است که اناقلیچ نقشبندی روحانی نما که از عمال با سابقه رژیم سابق بوده و یکی از عناصر برپاکننده تظاهرات چماق بدستان ۲۰ بهمن ۵۷ که منجر به شهادت ۹ تن از اهالی بسی گناه گنبد گسردیده است و دارای نشان پرچم سه پهنایون از شاه مخلوع می باشد، پیش از مدتی فرار به گنبد بازگشته است توطئه گری

## پرونده سعادت

بقیه از صفحه ۱

مجاهد اسیر بر حسب سنت حق طلبانه آرمانی خودشان از پیش پذیرفته اند، دفاع قانونی از برادر مجاهدان محمدرضا سعادت را به ایشان محول می کنیم. این وکلای مبارز معتقد که به مدافع معرفی خواهند شد، مدافعات لازم و اقدامات مقتضی را محمول خواهند داشت.

۵ - دفاع سیاسی - ایدئولوژیک سعادت را بطور خاص نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران، خود برعهده خواهند گرفت. حق حضور و دفاع نمایندگان ما در دادگاه بویژه از آنجهت ضروری است که در کادر اعلامیه مورخه ۹ تیر مسئولیت اقدامات مجاهد اسیر را سازمان راسا بعهده گرفته است همچنین چنانکه بطور صریح یا تلویحی در اظهارات برخی از مقامات مسئول دادستانی و محکمه و شورای انقلاب دیده میشود و در تحریکات گسترده بر علیه مجاهدین خلق ایران نیز بخوبی هویدا است، جریان دستگیری و محاکمه سعادت در واقع امر چیزی جز محاکمه مجاهدین خلق ایران نبوده و نیست. دلیل ما بر این مطلب مجموعه تحریکات و اقدامات مزورانه، عوامفریبانه و ارتجاعی است که در کل ماجرا برهنگان روشن است و الازومی نداشت در حالیکه ایادی ساواک و مجالس منحل رستاخیزی و چکمه پوشان شاه را گروه گروه از مجازات فرار میدهند، یک مجاهد رزمنده خلق تا این تاریخ همراه با شکنجه های جسمی و روحی که یک قلم آن تاکنون ۳۶ روز اعتصاب غذاست، در وحشیانه ترین شرایط غیر انسانی که گاه یکی دو روز نیز کسی به سلول سبز در بسته او در اوین سرنمیزند، نگاهداری کرده و حتی از چند لحظه تنها ماندن او با وزیر دادگستری کشور در سلولش نیز ممانعت کنند و حتی وقتی همسرش چند حبه قند نیز برای جلوگیری از مرگش ملاقاتی میبرد آن را رد کرده و بگویند: اسراف میشود...!

درسی از دشمنین روزاعتصاب...  
پدنیال اعتراضات اقشار مختلف خلق نهرمان ما، مساله سعادت دقیقاً با مساله آزادی ملی و مبارز ضد امپریالیستی پیوند خورده است، سازمان مجاهدین خلق ایران با توجه به پاره ای اخبار در مورد محاکمه عضو زندانی اش، مواضع خود را در قبال شرایط ضروری که محاکمه سعادت بایستی اکیداً با آنها مشروط باشد، بشرح زیر اعلام مینماید. شرایطی که برای تحقق آنها که از ارکان اجتناب ناپذیر آزادی و حق طلبی است، از تمام نیروهای مردمی و مبارز روبرو نیروهای انقلابی مسلمان امتداد میکنند، شرایطی که بدون مراعات آنها چنانچه محاکمه ای در کار باشد بهیچ وجه مشروع، قانونی و قابل پذیرش نخواهد بود: ۱ - چون دستگاهی که اکنون دادستانی کل انقلاب نامیده میشود به دلایل متعددی که تاکنون ضمن اعلامیه های مکرر آنها را بازگو کرده ایم، با مجاهدین خلق ایران همیقا در غرض ورزی و ضدیت بوده و تاکنون نیز بهیچ یک از شکایات و اعلام جرم های ماریسیدگی نکرده و از نشر هیچگونه اکاذیب و اظهار نظره های یک جانبه فروگذار نشده است، لذا فاقد هر گونه صلاحیت انقلابی، اسلامی، مردمی و قضائی در این رابطه بوده و بایستی پرونده را به دادگستری احواله کند. هیچ عذرو بهانه ای هم در این مورد موجه نیست، مگر آنکه به یاد دوران طاغوتی باز هم بخواهند وزارت دادگستری و توه مستقل قضائی کشور را از صلاحیت ها و عملکردهای حقه خود ساقط نمایند.

۲ - دادگاه الزاماً بایستی طلی و با حضور هیئت منصفه و نمایندگان جمیع وسایل ارتباط جمعی باشد.  
۳ - پیشاپیش نسبت به پیش نظر ضامن، تحریف آمیز و یکجانبه اخبار دادگاه از رادیو تلویزیون هشدار داده و تاکید میکنیم که پیش رادیو تلویزیونی بایستی کامل، نامعیار و در ساعات ثابت از پیش اعلام شده باشد.  
۴ - چنانکه وکلای شجاع و مبارز دادگستری استمدادارای نمی بردند بی اجر و مزد از

## پیشنهاد وزیر دارائی

بقیه از صفحه ۱

اما، به صورتی که وزیر دارایی و امور اقتصادی طرح کرده اگر همان باشد که روزنامه اعلام کرده - با آنکه ایران، مستقیم بین ژاپن را از کمپانی امریکایی می گیرد، ولی با توجه به آنکه هنوز دلار پایه اصلی محاسبه قیمت نفت است، و از جمله، دلار شناور، در سطح جهانی، رابطه مستقیم با سیاستهای مشترک و واحد امپریالیستی دارد. قیمت نفت، برای توکیو همان خواهد بود، که پول را به دلار می پرداخت، و در اصل هیچ چیز تغییر نمی کند.

بازتایز مالی در آینده خواهد نوشت، محموله شرکت ملی نفت ایران به ژاپن با «ین» برابر یک سوم ارز انترناژ قیمت نفت در اروپا و امریکا برای کمپانی ژاپنی تمام شد.

## لایحه مطبوعات طرحی

بقیه از صفحه ۱

وراستی هم تهیه کنندگان و نویسندگان این ماده، از نظر رشد فکری باید گفت عقب تر از اعتدال السلطنه بوده اند، در حالی که کوچکترین اطلاع هم از حدود وظایف مطبوعات نمی داشتند. باز در همین ماده، ما باز دیگر رویارو با وجودی به نام مدیر مسئول هستیم، و فقط وقتی که بتواند ثابت کند در انتشار مطلب مورد اعتراض نقشی نداشته، این مسئولیت از او ساقط می شود و گریبان «ساحب امتیاز» و «سردبیر» و «دبیر» و «نویسنده» و «خبرنگار» و «عکاس» را میگیرد!

یعنی چه؟ ما پیش از این بحث کرده ایم که سمت مدیر مسئول، چنانکه در لایحه عنوان شده، چه سمت مجعول و «من در آری» است. و تکرار آن گفته ها لازم نیست، فقط این می ماند، که تازه، پس از اعلام برائت مدیر مسئول، توبت مسئولیت و گرفتاری سایر افراد، از صاحب امتیاز، تا عکاس می رسد!

و محجب آور است که مثل موارد دیگر، موضع نویسندگان طرح، نسبت به روزنامه و مجله موضع سخت گیری شدیدتر از «ماموران ساواک» است، و روی آنها را سفید می کند: خوب توجه کنید: هر کس می خواهد در روزنامه مقاله و خبر و مطلبی بنویسد، بطور حتم و قطع، باید نام خودش را ذیل مقاله بگذارد. و اگر غیر از این باشد طبیعی است که روزنامه نویس حق ندارد، مطالب بی نام و دارای نام مستعار را چاپ کند! آن مدیر کل مطبوعات که سالهای دراز مقیم امریکا بوده، و به اندازه تحصیل کرده های ساواک در آنجا، تجربه تجدید آزادی پیدا کرده است و مثل معروف اف. بی. آی و «سیا» را درباره یوانی که تائیمه آب دارد، تحویل روزنامه نویس صر انقلاب می دهد، کاش می فهمید و در امریکامی آموخت که این حق نویسنده است که با نام یا بی نام مطلب خود را بنویسد، و کسی حق ندارد آزادی او را محدود کند!

## آزادیهای سیاسی و اجتماعی، تجزیه پذیر نیست

نست، چیزی جز خیمه شب بازی تلقی نخواهد کرد و نتیجه آن را پیشاپیش محکوم خواهد نمود، و میدانیم که مردم قهرمان ایران سالیان دراز است که همه بیدارگاه های فرمایشی راتحت هر عنوان و تحت هر عنوان و وظایف ای نیز که تشکیل گردند تقبیح کرده اند.

بار دیگر خاطر نشان میکنیم که در زمره همه شهدا و اسیرانی که تاکنون مجاهدین خلق ایران نثار آزادی این میهن کرده اند، سعادت نیز نفسی نفسه یک تن دیگر بیشتر نیست، اما بخوبی روشن است که در مجموع نحوه دستگیری و شکنجه و محاکمه و برخورد با این مجاهد اسیر اکنون دیگر شعاع تاثیر و دامنه عمل ملی یافته است و بنحویکه اگر عاملان دستگیری و شکنجه و تمت زدن با و در پیشگاه خلقمان آنچنان که باید رسوا نگردند، برای تعرض و هتک حرمت و شرف و پایمال کردن جمیع آزادیها و حقوق انقلابی مردم این میهن بی پروا و تروجرئی تر از گذشته بکار خود ادامه خواهند داد.

ضمناً متذکر میگردیم که در تاریخ ۱۳ / تیر ۵۸ اطلاعیه ای منتشر کردیم و همکاری مجاهدین خلق را جهت تشریح مسئولیت

جمعیت دفاع آزادی و انقلاب کردستان:

## دولت با استعفای «یونسی» موافقت کرد

● مردم کردستان جز یونسی استاندار دیگری را برسمیت نمی شناسند

● استعفای اجباری یونسی نشان می دهد که توطئه های بزرگ علیه مردم ایران و بخصوص علیه خلق کرد در حال تکوین است

جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در کردستان در تلگرافی به نخست وزیر اعلام کرد: موافقت دولت با استعفای دکتر یونسی استاندار کردستان، در واقع گام دیگریست که برخلاف نظر مردم برداشته شده است.

متن تلگرام چنین است: آقای مهندس بسازرکان نخست وزیر بقرار اطلاع دولت موقت آنجناب که نه تنها اکنون در جهت خواسته های برحق خلق کرد قدم مثبت برداشته است. بلکه با استعفای آقای یونسی استاندار کردستان که بهر حال با توجه به شخصیت خود ایشان بعنوان نماینده دولت مورد قبول اهالی کردستان بود موافقت نموده و در واقع گامی دیگر برخلاف نظر مردم برداشته است. دلیل استعفای ایشان چه می تواند باشد: مگر نه اینکه ناشی از بی اعتنائی

به توصیه نماینده آیت الله طالقانی

## متحصنین کانون تا اعلام نتیجه نهایی از تحصن خودداری کردند

متحصنین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اعلام کردند پس از آنکه متحصنین کانون بنابه حکم دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران توسط افراد مسلح از طبقه هفتم و مقابل ساختمان مرکزی کانون به جبر اخراج و پراکنده شدند متحصنین برای رسیدن به خواستهای عگانه خود ابتدا در نظر داشتند مجدداً مقابل ساختمان مرکزی (خیابان جم) به تحصن ادامه دهند ولی در رابطه با اخراج آنان بوسیله افراد مسلح برای پرهیز از هرگونه درگیری تصمیم گرفتند از روز دوشنبه متحصن شوند در ساعات اولیه روز تحصن نمایندگان دفتر حضرت آیت الله طالقانی به متحصنین تذکر دادند که از تحصن خودداری کنند تا به کارشان رسیدگی شود، همانگونه که متحصنین بارها، اعلام داشته اند، کماکان تنها مرجع دادخواهی را دفتر حضرت آیت الله طالقانی و نمایندگان ایشان میدانند و با احترامی که برای این دفتر قائلند بنا به توصیه نماینده آیت الله طالقانی تا اعلام نتیجه نهایی دفتر ایشان از ادامه تحصن خودداری خواهند کرد.

### آشنایی با اصول سندیکا

سندیکای کارکنان شرکت های ساختمانی تهران و حومه از کلیه کارکنان شرکت های ساختمانی تهران و حومه و کارگاه های تایمه دعوت کرد برای آشنایی با اصول سندیکا و برنامه های سندیکائی • بعد از ظهر یکشنبه در محل سندیکا حضور بهم رسانند.

## خطر تلخ حملات شوم گارد مزدور دانشگاه

کتافروشی... را سوزانند... را دستگیر کردند و مجاهد فدائی و طرفدار طبقه کارگر مورد هجوم واقع شده اند و همه این جریانی است که هر روزه می شنویم و شاید هم برای برخی عادی شده باشد ولی آنچه مسلم است بزودی دست های پلیدی که از پس پرده این تهاجمات طرح ریزی میکنند و بدست متحصنین کور ذهن به اجرا می گذارند افشا خواهد شد. «دانشجویان پیشگام دانشگاه تکنیکوم» طی اعلامیه ای به افشای نمونه ای از این تهاجمات پرداخته اند. در قسمتی از اعلامیه آمده است: انحصار طلبان از طریق ایجاد گروه های فشار که نوع دیگری از نیروی سرکوبگر می باشند با تحریک و بسیج احساسات توده های مذهبی دانشجویی سعی در محدود کردن و زیر فشار گذاشتن «گروه های فعال» دارند. نمونه ای از این حرکات حساب شده چند روز پیش در دانشکده تکنیکوم تهران عملی شد: نمایندگان دانشجویان یا مواضع سیاسی، نه دانشجویی و با مدارک قبلی و بسیج گروهی از دانشجویان سعی در گرفتن یکی از مکان های فعالیت صنفی - سیاسی (اتاق کوه) دانشجویان کردند که با مقاومت دانشجویان پیشگام این دانشکده مواجه شدند و علیه هم اعتراض و مخالفت گروهی از دانشجویان دیگر ضمن شکستن قفل درب اتاق به تجاوز آشکار و بی پروا علیه حریم آزادی و سنگر آن دست زدند، این گروه که تحریک شده بود خطر تلخ حملات شوم گارد مزدور دانشگاه را در مورد یورش به مکان های صنفی - سیاسی دانشجویان در اذهان زنده کرد.

## ملی کردن صنایع جدا از حاکمیت ملی بر کارخانجات مفهومی ندارد

● فقط مرتجعین، سرمایه‌داران، غارتگران و وابستگان به امپریالیسم مخالف سرسخت شوراها هستند  
● درگیری بین کمیته‌ها و کارگران با تحریک مدیریت سرسپرده به سرمایه‌داری وابسته صورت میگیرد

بخش کارگری جنبش ملی مجاهدین با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد ملی کردن صنایع جدا از حاکمیت ملی بر کارخانجات مفهومی ندارد و فقط با حاکمیت شوراها کارکنان و همکاری نماینده دولت می‌تواند مدیریت صحیح در کارخانجات ایجاد کرد.

در قسمتهایی از این بیانیه آمده است: مبارزه با مظاهر اقتصادی امپریالیسم و تلاش برای درهم ریختن پایه‌های اقتصادی سلطه جبهاتخوان خواست ملت میباشد چنانچه در مبارزه با شاه جلا و وفی نظام شاهنشاهی خواست اکثریت مردم مایه و خواستی که تمامی مردم یکصدا فریاد می‌زنند. اکنون نیز ادامه حرکت انقلابی، ضد امپریالیستی خواست مردم است. مردمی که با گوشت و پوست دشمنی و عداوت این غارتگران را لمس کرده‌اند بدین دلیل از هر اقدام این چنینی دولت استقبال مینمایند.

ملی کردن صنایع بدنیال ملی کردن بانک‌ها گامی است در این مسیر که پس از مدتها انتظار صلی گردید. گامی که میتواند صنایع ما را که مدتها در دست غارتگران وابسته بود. به مردم بازگرداند این اقدامات مردم را آماده هر گونه کمک جهت حل مشکلات جامعه می‌نماید و استمرار این حرکات را اکثریت افراد جامعه مخصوصاً کارگران خواستارند.

اما چه موقع ملی شدن صنایع واقمیت می‌یابد؟ آیا ملی کردن صنایع می‌تواند جدا از حاکمیت ملی بر کارخانجات مفهوم داشته باشد و فقط با حاکمیت شوراها کارکنان و با همکاری نماینده دولت می‌توان مدیریت صحیح در کارخانجات ایجاد کرد. مدیریت که بتواند پاسدار واقعی منافع ملی گردد و صنایع ما را در جهت نیازهای واقعی جامعه بکاراندازد.

در غیر اینصورت و بدون برسمیت شناختن شوراها کارکنان از طرف دولت، فساد مدیریت، صنایع فوق را به سرنوشت صنایع دوران طاغوت مبتلا خواهد کرد، صنایعی که نه تنها کارایی لازم نداشتند و مشکلاتی را از اقتصاد حل نمی‌کردند بلکه به گره کوری تبدیل شدند.

شورای مدیریت فوق بانظارت در تهیه مواد اولیه، تولید، توزیع و کنترل دستمزدها و درآمدها در راه اندازی این صنایع و بالا بردن تولید آن خدمت بزرگی به انقلاب خواهد نمود.

**بزرگداشت نیکوکار شهید**  
معلمان پیشگام تهران دعوت کردند: برای بزرگداشت خاطره نیکوکار شهید ۲۳ تیر برای جاودانه کردن میراث‌های خونین کارگری برای نشان دادن

## تحصن دانشجویان هنرستان و دانشکده موسیقی ملی

گروهی از دانشجویان و هنر-جویان هنرستان و دانشکده موسیقی ملی، بعلت برقراری اختناق در محیط کانون پرورش فکری و اخراج بی‌دلیل تعدادی از کتابداران و مربیان، از یکشنبه صبر در محل دانشکده و هنرستان، متحصن شدند.

در اعلامیه تحصن آمده است: هرگونه بی‌توجهی آقای مهندس یازرگان را محبت به خواسته صنفی - فرهنگی خود و همچنین هر نوع ایجاد اختناق و اعمال ضد انقلابی پرستان و مسئولین جدید کانون، محکوم می‌کنیم. وضمن اعلام می‌داریم در مدت تحصن، هر نوع حادثه ناگواری که رخ دهد، ناشی از بی‌توجهی دولت، می‌دانیم.

## جوانان مبارز قم: حمله به دفتر مجاهدین توسط عده‌ای اجیر شده صورت گرفت

از تجاع حد و مرز نمی‌شناسد

دانش آموزان و جوانان مبارز قم، حمله به دفتر جنبش ملی مجاهدین قم را، ضمن انتشار بیانیه‌ای محکوم کردند. در بیانیه آمده است که از تجاع هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسد، یار دیگر مرتجعین با تحریک عوامل مشکوک و با استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم، به تنها کانون مثرقی موجود در قم حمله کرده و ضمن تاراج انواع فحش و تهمت‌های ناروا به بنیان‌گذاران سازمان، و نیز دکتر علی شریعتی و حتی کاربردانجا می‌کشد که مهاجمین مبادرت به پاره کردن عکس مجاهد کبیر آیت‌الله طالقانی، می‌پردازند. در مورد چگونگی حادثه، کافی

است که اشاره کنیم که مرتجعین برای استفاده از حداکثر نیروی مردم ناآگاه، ابتدا از مردم قم دعوت کرده بودند تا در تظاهراتی به نفع قانون اساسی شرکت کنند. اما پس از تجمع مردم، هدف را تغییر دادند. وضمن تحریک، تظاهرات را به راه پیمائی علیه مجاهدین خلق و مجاهد اسیر سعادت سوق دادند. وضمن تا کید می‌کنیم که عمل تهاجمی خرابکاری را تعداد معدودی از اجیر شدگان و عوامل شناخته شده انجام دادند و از مردم فقط بمنوان سیاهی لشکر، استفاده نمودند.

## در حمله پاسداران

باین دلیل است که فقط مرتجعین، سرمایه‌داران، غارتگران، و وابستگان به امپریالیستها هستند که مخالف سرسخت شوراها و این دقیقاً از ماهیت ضد اسلامی آنها ناشی میشود.

## چهارمین شماره «برنامه» منتشر شد دولتی کردن صنایع یا ملی کردن صنایع؟

شماره چهارم نشریه «برنامه» ارگان مستقل جامعه کارکنان سازمان برنامه و بودجه منتشر شد.

در این شماره «برنامه» مطلبی درباره چگونگی ملی کردن صنایع منتشر شده که قسمتی از آن را نقل می‌کنیم: بعنوان مقدمه باید به تعریف کنیم «ملی کردن» چیست و چه تفاوتی با دولتی بودن دارد. ملی کردن بخش‌هایی از اقتصاد یک جامعه به منزله سپردن امور جاری آن بخش‌ها به مردم و رضمن شدن بخش‌های ملی پسوی اهداف ملی است. تفاوت بین ایندو، یعنی دولتی و ملی، می‌تواند از آنجا ناشی گردد که در صورت دولتی بودن بخشی از اقتصاد اداره کنندگان آن بخش صاحب‌منصبان دولتی بشمار می‌روند و بدین نحو وابستگی به دولت وقت پیدا می‌کنند. بدین ترتیب فعالیت‌های بخش اقتصادی به مفهوم تعقیب هدفها و مصالح بلند مدت مملکتی - و نه پیروی از سیاست‌های کوتاه مدت دولت‌های متغیر - می‌باشد. ملی کردن صنایع بدین معنی نیست که اداره امور آنها بطور کامل در اختیار مدیران و مأموران دولتی قرار گیرد و بدین ترتیب بوروکراسی بیش از پیش گسترش یابد. چنانکه هم‌اکنون نیز تعدادی از صنایع کشور دولتی بوده و بصورت ادارات تابعه دولت در چهارچوب مقررات دست‌وپاگیر اداری و با کارایی اندک فعالیت می‌نمایند.

در صورت ملی کردن صنایع نمایندگان منتخب مردم و دیگر گروه‌های ذینفع همچون کارگران صنایع، همراه با یک یا چند نماینده دولت، اداره امور صنایع ملی شده را تحت نظر خواهند گرفت.

## توافقنامه مدنی

این راهپیمایی از محل مسجد امام جعفر صادق محل اقامت آیت‌الله شبیر خاقانی ساعت ۹ صبح آغاز شد. راهپیمایان شعارهایی بطرفداری از خلقهای ایران و آیت‌الله شبیر خاقانی میدادند. شعار «مرک بر مدنی» «مرک بر مناقضین» «کنته‌های خلقی را محکوم می‌کنیم» از دیگر شعارهای این راهپیمایی بود. بمناسبت این روز بازار خرمشهر نیز تعطیل بود.

عیسی عبدالحمید خاقانی به مناسبت این راهپیمایی اعلامیه‌ای صادر کرده است در اعلامیه آمده است:

۱- حفظ نظم شهر از وظایف شرعی و عرفی همه میباشد. بنام بر این دقت کافی فرمائید که عناصر فرصت‌طلب و مخرب از احساسات پاک شما سوءاستفاده نکنند.  
۲- حمل هرگونه سلاح غیر مجاز است و بدین منظور از حمل سلاح در موقع راهپیمایی جلوگیری کنید.  
دقت شود که از آغاز تا خاتمه مراسم از هرگونه درگیری و تحریک احساسات در طول مراسم پرهیزید و در صورت ایجاد آذیت و آزار افراد با صبر و شکیبایی عمل کنید.

## در حاشیه: کودکان بین‌المللی لاهوتی و بچه‌های آنها!

از نیویورک تایمز ترجمه شده است. در روزنامه اطلاعات که هر روز پنجشنبه و چهارمین سال انتشار خود را آغاز کرد. در آرامشی که سابق چندین راج مطبوعات نبود. و مابرای دوستان و همکاران خود در صف تحریریه، و در صف کارگران و کارکنان آن روزنامه، پیروزی‌سالمی دراز در خدمت به مردم آرزومی کنیم از نیویورک تایمز ترجمه شده است که فقط در خیابانهای این شهر بزرگ ترکیه (استانبول) ۲۰۰ هزار پرسرک بی‌خانمان زندگی می‌کنند.

عنوان مقاله نیز چنین است: «بچه خیابانی‌های استانبول». باید این مقاله را خوانند. دوستان را کورده آواره در خیابانهای استانبول، زندگیشان چندان هم بی‌دردسر نیست، آنها از خشونت خانوادگی گریخته‌اند، یا خانواده رهایشان کرده است و پدر برای کار به اروپای غربی رفته، یا خانواده آنها را فرستاده برایش گدایی کنند. این سنت در استانبول تازه نیست. و لاهوتی، از این کودکان سرگردان استانبول، در جنگ جهانی اول یاد می‌کند. او که در تب سسی سوخته از دل‌سوزی انسانی آنها می‌گوید. در شهر لاهوتی نام کودکان استانبول، «کودکان بین‌المللی است» و همین کودکان گرسنه، بی‌غذا و «خیابان خب» هستند که به شاعر تب دار و بی‌بیمار غذا می‌رسانند، تا نمیرد. می‌بینید، چندان چیزی، تغییر نکرده، آن روزها، در سالهای ۱۹۱۴ به بعد، یک امپراطوری در حال زوال بود، و این روزها، در سالهای ۱۹۷۹ یک اقتصاد وابسته، و یک نظام وابسته، در کار آغاز تلاشهای احتضار است. و آن «کودکان بین‌المللی» که دیروز بودند، امروز نواده‌هاشان در انبوهی بیشتر، به صورت بچه‌های خیابانی، استانبول را انباشته‌اند.

می‌پرسیم: آیا فرزندان این پسران آواره، می‌سال دیگر، و یا نوه‌های آنها، ۶۵ سال بعد، و در پی جنگ سوم جهانی، باز چنین سرنوشتی خواهند داشت؟ جواب دشوار است. ولی شما را وادار می‌کند، لحظه‌یی بیشتر به ستم و شقاوتی که نظام طبقاتی و تبعیض طبقاتی، بر انسان عصر ما روا داشته است، بیندیشید.

خبرگزاری فرانسه - منابع نزدیک به دولت دیروز گفتند جنگنده‌های عراقی که مجهز به موشک بودند به چند دهکده مرزی حمله کردند که در نتیجه آن ۱۲ نفر کشته و زخمی شدند. روستاهایی که مورد هجوم جنگنده‌های عراقی قرار گرفتند از روستاهای سردهشت و مریوان در همسایگی کردستان هستند.

## آیا فرمانده

بقیه از صفحه ۱ برای مذاکره و حل مشکلات با آیت‌الله خمینی به قم می‌رود. تیمسار امیر رحیمی که از طرف وزیر دفاع حکم برکناری وی از فرماندهی پادگان جیشیدیه صادر شده است، در یک تماس تلفنی به خبرنگار رویتر گفت: که دولت حکم عزل را بمن ابلاغ کرده است ولی به آنها گفته‌ام که مرا شخص دیگری منصوب کرده است.